

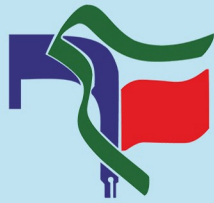
پاییز نارنجی با چاشنی مطالعه



نشریه سیاسی، علمی و فرهنگی مدرسه کاغذی / چاپ هشتم، پاییز ۱۴۰۱



مدرسه کاغذی



نشریه سیاسی، علمی و فرهنگی مدرسه کاغذی / شماره هشتم، پاییز ۱۴۰۱
صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان ایلام

مدیر مسئول: نارنین پیرحیاتی، رضا پور نعمت

سردبیر: زهرا سلیمانیان

هیئت تحریریه

بخش فرهنگی: احمد ایار، محمدحسین بیگی راد، حدیث اله نوری، سپیده ستاری، زهرا سلیمانیان

بخش علمی: فاطمه زهرا نیاصادق، نگار صیدی، زیبا نصراللهی، فائزه فتحی زاده، ستایش اداری

بخش سیاسی: فاطمه محمودی، محمد کریم بیگی، علی اوحام، مینو نوروزی، بهاره علی محمدی

بخش رسانه: امیرحسین جلیلیان، مریم عباسی، حدیث اله نوری، زهرا سلیمانیان

ویراستار: پوریا صفری

طراحی جلد و صفحه آرایی: علی قنبری

سخن مدیر مسئول :

اول دفتر به نام ایزد دانا / صانع پروردگار حیّ توانا
ما انسان ها سعی بر این داریم که دغدغه هایمان را به گوش دیگران برسانیم و این حس درون ما
هست که این دغدغه را در فکر و جان دیگران تسری بدیم به امید اینکه بتوانیم با قدرت و سرعت
بیشتر کوه دغدغه هایمان را فتح کنیم. تا آتشفشان درونمان آرام گیرد.
همواره سعی در گام برداشتن در این مسیر میکنیم.
گاهی با یک پست اینستاگرام...
گاهی با یک گپ و البته غیر مستقیم
گاهی با یک رفتار

گاهی با یک نگاه بی صدا که فغان آن بی نهایت است. چند صباحی است که این داغ را در قالب
نشریه مان انتقال می دهیم، که سعی دارد هرآنچه که نیاز یک دانشجو معلم است، در خود بگنجاند
و هر بار کامل تر از بار پیش در نظر مخاطبانش ظاهر شود. هر چند مدتی با فاصله، از همراهان
همیشگی بودیم اما اکنون قصدمان بر این است که تحولی در تدوین و انتشار این نشریه ایجاد
کنیم و با شیوه جذاب تر، مفید تر و موثر تری جلوه کنیم و امید که تیم نشریه مدرسه کاغذی از
پس این مهم برآیند.

در پایان نیز، باید تشکر کنم از دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان استان ایلام که برای تدوین و تنظیم
این نشریه زحمت کشیدند و خالصانه و صادقانه در این مسیر قدم نهادند.

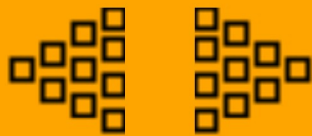
و شما مخاطبان عزیز! امیدوارم که از مطالعه این نشریه لذت ببرید و برای زندگی دانشجویی تان
مثمر ثمر واقع شود.

و من الله التوفیق.

رضا پور نعمت.

فهرست مطالب

۳	آئینه تمام نمای جوان اسلامی
۶	افسران مقابله با جنگ نرم!
۸	چگونه
۹	جنگی نرم اما سخت!
۱۱	سه گانه کمبود معلم
۱۳	تنظیم هیجان
۱۴	نقش آموزش و پرورش در تولید ملی
۱۷	هوش مصنوعی
۱۹	بیانیه مشترک
۲۱	درآمدی بر جنبش های اجتماعی اخیر
۲۵	آنچه نباید می شد؟ چه باید بشود؟
۲۹	چرا روز دانشجو
۳۱	سواد رسانه
۳۲	روح نواز
۳۳	خطر مرگ هویت به قیمت جان
۳۴	به وقت عکس



آینه تمام نمای جوان اسلامی

چرایی نیاز ما به الگوها: باید این سوال را این گونه پاسخ داد: اگر الگویی نداشته باشیم چه می شود؟ بدون الگوها مجبوریم زندگی زیسته دیگران را دوباره تجربه کنیم و همان اشتباهات را دوباره تکرار کنیم.



و منطقی مد نظر ما باشد هیچ الگوی بهتر از زندگانی و سیره رسول الله و مخصوصا دوره جوانی ایشان نمی تواند در هدایت توده های جوان امروز موثر باشد. آنچه در این متن خواهید خواند نخست درباره مفهوم الگو و سپس دوره ی جوانی بهترین الگوی آفرینش حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) است.

چشم مرا تا به خواب دید جمالش خواب نمی گیرد از خیال محمد سعدیا اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد نوشتن از رسول الله سخت است و پاسخگویی به نیاز های جوان امروز بر اساس زندگی ایشان از آن هم سخت تر اما به قول مولوی آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید.

جوان امروز تشنه الگو است؛ اگر پای صحبت این گروه از جامعه بنشینیم (اگر چه خود به آن معارف نیستند) اما به دنبال یافتن بهترین راه زیستن اند و برای یافتن آن سراغ هر کس که می توانند می روند. از معلمان و والدین گرفته تا سلبریتی ها. آنچه که می توان به این گروه آموخت راه چگونه زیستن است اما برای این آموزش نخست باید مفهوم الگو را بشناسیم و سپس به سراغ الگو های مناسب برویم. بهترین الگو های برای جوان امروز همانا کسی است که هم سن و سال آن ها باشد، نیاز های آن ها را بفهمد و خود این دوران را تجربه کرده باشد. اگر الگوی اسلامی دقیق

بخش اول

به زبانی ساده تر الگو به ما می آموزد که راه درست زندگی چیست و چرا بعضی از رفتار های انسانی از اساس ایراد دارند. اگر زندگی انسانی همانند خودمان را مطالعه کنیم و ببینیم که این فرد همان نیاز ها و تا حدودی همان آرزو های ما را داشته (و یا دارد) و یا این وجود به بیراهه نرفته و بسیاری از خطا ها را نکرده به سادگی راه حق را در جای جای

اگر بخواهیم مفهوم را به خوبی بشناسانیم باید به این سه سوال پاسخ دهیم. نخست آن که الگو چیست؟ چرا ما به الگو ها نیاز داریم؟ و سخن پایانی شاخصه های بهترین الگو چیست؟ تعریف الگوی رفتاری: الگوی رفتاری یعنی هر کس که گفتار و کردار او برای ما به منزله یک خط مشی تلقی می شود.

شئون مختلف زندگی درمی یابیم. اگر یک خطاط سرمشقی زیبا نداشته باشد به سختی و با آزمون و خطا می تواند خطی را خود اختراع کند و آن را زیبا بداند اما اگر همین خطاط استادی مجرب داشته که به او الگوی زیبایی بدهد بر اساس آن می تواند تمرین کند، خود را اصلاح کند و از این طریق رشد کند. حکایت ما حکایت همان خطاط است.

شاخصه های بهترین الگو: بهترین الگو همانند بهترین خط کش است. خط کش را بر چه اساس مدرج می کنند؟ بر اساس واحد اندازه گیری و برای اخلاق واحد اندازه گیری چیست؟ بهترین و جامع آیین واحد اندازه گیری اخلاقی بر اساس نیاز انسان است.

چون در وهله اول ما قصد نداریم مشکلات جهان هستی را حل کنیم بلکه به دنبال بهترین راه برای زیست سالم انسانی می گردیم و از این رهگذر اهمیت اخلاق را در زندگی فردی و اجتماعی بر اساس نیاز در می یابیم. چرا که بدون احترام متقابل نمی توان نیازهای خود را از لحاظ روانشناختی به طریقی سالم برطرف کرد. این سخن پر آوازه امیر مومنان در این زمینه چراغ راه است که می فرمایند: آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران می پسند.

این جمله تمام اخلاق نیست گاهی چیز خاصی را می پسندیم که می دانیم دیگران ممکن است آن را نپسندند و عاداتی داریم که

از نظر خود خالی از اشکال است ولی دیگران آن را آزار دهنده در می یابند. آقا رسول الله در این باره می فرمایند من برای اتمام مکارم اخلاق مبعوث شده ام. یعنی نه فقط اخلاق بلکه عالی ترین گزاره های اخلاقی که انسان می تواند به آن ها بیندیشد و دست یابد.

بخش دوم

از میان الگوها فارغ از هر نوع طبقه بندی، زندگی رسول الله الگوی مناسبی است. چون ایشان پیامبر یک دین الهی است که بعد از هزار و چهارصد سال هر روز به پیروانش اضافه می شود و سخن ایشان که همان سخن اخلاق است در جهان سخن گمنامی نیست. حال اگر بخواهیم بدانیم که این شخصیت عظیم الشان چگونه به این مرتبت رسیده اند باید به دوره کودکی نوجوانی و جوانی ایشان نگاه کنیم. همان دوره ای که ره توشه تمام زندگی است.

از این سه دوره بیشتر جوانی مدنظر اینجانب است چرا که هدف متن پرداختن به دانشجو است. دانشجو در



دوره های از زندگی از جامعه، خانواده و مدرسه تاثیر پذیرفته و بعد وارد مرحله آموزش عالی شده است. در این مرحله درگیر مسائلی چون ازدواج و شغل آینده و ادامه تحصیل و هزار و یک موضوع جانبی دیگر است. ما نمی توانیم گذشته این فرد را اصلاح کنیم و از آینده او هم خبر نداریم اما باید به حال او بپردازیم. در ادامه به سه ویژگی پیامبر در دوره جوانی اشاره می کنیم که به عقیده بنده از مهم ترین ویژگی های ایشان است.

ویژگی اول

راستگویی پیامبر اسلام به روایت تاریخ هرگز دروغی به زبان نیاورد و بیست خصلت از تمامی خصلت های پیامبران را داشت و به گفته امام صادق علیه سلام به نقل از مناقب ابن شهر آشوب: «اگر کسی یکی از این خصلت ها را داشته باشد دلیل بر بزرگی و عظمت اوست چه رسد به آن که همه آن ها را داشته باشد.» اولین خصلتی که ایشان بیان می کند راستگویی است. در باب حکمت راستگویی سخن ها بسیار رفته و کتاب های بسیار نوشته شده بنده در اینجا به کاربرد این مسئله اشاره می کنم. اگر زمانی انسان عملی مرتکب شود که خواست جامعه و شرع و فرهنگ با آن مخالف است باید نخست با خود راستگو بوده و سپس آن مقدار را که به حکم عقل لازم است با دیگران در میان گذارد. چه بسا انسان خطایی در حق

دیگران مرتکب شود و پس از آن با راستگویی بتواند مسئله را حل کند بی آن که کینه ای ریشه دار در قلب مردم ایجاد کند.

ویژگی دوم

امانت داری در ذیل همان روایت امام صادق علیه سلام درباب خصائل نیکوی پیامبر به مسئله امانت داری نیز اشاره شده است. در این باره به داستانی از کتاب سیره رسول مهربانی ها اشاره می کنم.

از بس امانت دار بود در جوانی «امین» نامیده شد و حتی مشرکان هم به او امانت می سپردند. وقتی هم به مدینه هجرت کرد، حضرت علی (ع) در مکه ماند تا امانت هایش را بازگرداند. خدیجه (س) هم به خاطر امانت داریش از او خواست تا کاروان تجاریش را همراهی کند. خیانت در امانت را جرم بزرگی می دانست. می فرمود: هر که در امانت خیانت کند یا در نگه داری آن کوتاهی نماید، از ما نیست.

در خصوص امانت داری باید به این نکته توجه کرد که این ویژگی فقط شامل اموال انسان نمی شود بلکه باید در نگه داری از راز های دیگران هم آن را حفظ کرد.

ویژگی سوم

وفای به عهد و پیمان سومین ویژگی است. از زندگی پیامبر نقل شده است که

ایشان اگر در کوچه ای با کسی قرار می گذاشت دقیقا همان نقطه ای می ایستاد که قرار گذاشته بود و یک وجب هم جابه جا نمی شد. از این رفتار ایشان میتوان نتیجه گیری کرد که وفای به عهد و پیمان یک فضیلت اخلاقی اساسی است برای هر انسان.

خصلت های دیگر پیامبر در جوانی مانند جوانمردی و پاکدامنی نباید مورد غفلتمان قرار بگیرد. هرچه سخن حق را بگوییم اما برای اجرای آن نکوشیم انگار که هیچ نکرده ایم. پیمان جوانمردان یا همان حلف الفضول گامی اجتماعی در راه ایجاد تغییرات عظیم در تاریخ بود. این پیمان در زمان جوانی پیامبر (ص) و پیش از بعثت ایشان بسته شد. چرا ما نتوانیم جوانمردی، عفت، صبر، احترام به بزرگتر را با رفتار درست به هم سن و سال آن خود آموزش دهیم. لقد کان لکم فی رسول الله و الذین معه اسوه حسنه. همانا برای شما در رفتار رسول الله و کسانی که با هستند الگوی نیکویی وجود دارد. تا زمانی که رسول و یارانش را نشناسیم به ضرورت الگو پی نخواهیم برد.

حسن ختام این سخن، حدیثی است از پیامبر گرامی اسلام (ص):

اگر این سه ویژگی در فردی دیدید مسلمانی او بر حق است و گر نه مسلمان نیست.

راستگویی، امانت داری، وفای به عهد و پیمان

نویسنده: محمد حسین بیگی

حدیث الہ نوری

بخش رسانه

افسران مقابلہ با جنگ نرم!

12 30 19

از دیر باز تاکنون دشمن سعی در غلبه بر ایران داشته است. در این راستا روش های مختلفی را آزموده از جمله تجزیه کشور، استعمارگری و... تا همین دفاع مقدس.

۸ سال تلاش دشمن با همکاری چندین کشور قدرتمند، با پیشرفته ترین سلاح ها و نهایتاً شکست، ضربه سختی بر آنها تحمیل کرد. قدرت های جهانی که تصور می کردند کشور را تحت سیطره خود در می آورند با نتیجه ای که به دست آمد به موضوع مهمی پی بردند: جنگ نظامی برای شکست ایران کارساز نیست لذا راهی دیگر در پیش گرفتند: از ترور شخصیت های مهم گرفته تا در دست گرفتن فضای مجازی و... به عبارتی دیگر جنگ نرم!

جنگی که جایگزین جنگ نظامی شد و متأسفانه تا حدودی در این امر موفق بوده اند. اما سنگر دانش در مقابل جنگ نرم حرف ها دارد برای گفتن. سنگری که دانشگاه است و مدرسه و افسران اساتید و معلمان. قلمی که می تواند به رشته تحریر در آید و ورق را برگرداند، بیانی که می تواند جهانی را زیر و رو کند!

آری جنگ نظامی کارساز نشد اما جنگ نرم؟!

دشمن که از هر روزه ای سعی در نفوذ دارد دست از تلاش بر نمی دارد. موسیقی مبتذل می سازد که ذهن جوانان را منحرف کند، فیلم می سازد که فرهنگ بیگانه را رواج دهد و فضای مجازی که همچون تیری فرزندان این مرز و بوم را به نشانه گرفته.

دشمن جنگ نرم را انتخاب کرد با متقبل شدن هزینه گزاف، اما نقش اساتید و معلمان؟! جهاد تبیین.

عبارتی که رهبری بارها آن را ذکر کرده اند. جهاد تبیین همان سیره روشنگری انبیاء و ائمه. مسئولیتی که حال بر دوش استاد و معلم است. جهاد تبیین: بیان اهداف دشمنان و رفع ابهامات برای نسل جوان تا مبدا

در دام دشمن بیفتد، دشمنی که شاید به ظاهر خود را مدافع حقوق این جوانان بداند اما برای از بین بردن آن و ایجاد جو ناامیدی از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند.

بازی های رایانه ای، نشانه گرفتن اعتقادات جوانان از طریق فضای مجازی و تشویش اذهان، رواج فرهنگ غربی، عادی جلوه دادن برخی سبک های غلط زندگی و...

در جبهه مقابل این دشمن اما افسران مقابله با جنگ نرم، با نیروی ایمان و اخلاص که می توانند گامی مهم در ایجاد شکست و ناکامی آن بردارند.

جان کلام در بیانات رهبری:

دروغ و فریب و جنگ روانی دشمن را افشا کنید. یک روزی بود؛ زمان امام نه اینترنت بود، نه ماهواره به این شکل بود؛ آنجا امام میگفت که دشمن با قلم بسیار با شما مبارزه میکند؛ با قلم. امام متوجه بود. امروز بحث قلم نیست، امروز بحث فضای مجازی است، بحث ماهواره ها است؛ جنگ روانی است؛ جنگ روانی همه گیر و همه جایی نگذارید جنگ روانی دشمن در کشور تأثیر بگذارد.

نویسنده: حدیث اله نوری



چگونه؟

بخش فرهنگی



با آنکه عشایری بودم به جای تفنگ و فشنگ
قلم و کتاب را انتخاب کردم، معلم شدم و
آموزش عشایری را به راه انداختم.

کم بودند کسانی که تشویقم می کردند و بسیار بودند آن هایی که به ملامتم برمی خاستند. پدرم
مثل همه پدرها فرزندش را شایسته مشاغل مهم تری می پنداشت! یکی از پسرعموهایم که اتفاقاً مرد
غیرتمندی بود و تحصیلات مرا عالی می دانست، شماتتم می کرد: ((ما از تو انتظار کارهای بزرگتری
داشتیم. خیال می کردیم استاندار وکیل و وزیر می شوی مکتب دار شدی!))

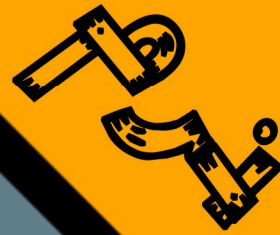
هم کلاسی های قدیم دست از سرم برنمی داشتند: ((تو چرا با چنان هوشی که داشتی به چنین
شغل کوچکی راضی شده ای؟ معلمی هم شد کار؟ حسن وکیل شدو محد سفیر اسپانیا. منوچهر به
وزارت خارجه رسید و تو آواره کوه و بیابان شده ای و به بچه چوپان ها درس می دهی!))

نوشته فوق بخشی از فصل آغازین کتاب "به اجاقت قسم" می باشد که دربردارنده خاطرات آموزشی
استاد محمد بهمن بیگی، بنیانگذار مدارس سیار و مرکز تربیت معلم عشایری، است. در این کتاب
فرایند تاسیس مرکز تربیت معلم و ایده تربیت تخصصی معلمان که با شکست ها و موفقیت هایی
همراه است، روایت شده است.

مطالعه این اثر ارزشمند که به زبانی ساده، ایشار و از خودگذشتگی معلمان دغدغه مند را برای
شکوفایی فرزندان این بوم و بر به تصویر می کشد، خالی از لطف نیست.

نویسنده: زهرا سلیمانیان

اما
سخت!!



جنگی



احمد ایار
بخش فرهنگی

دنیاى جديد و عصرى كه در آن زندگى مى كنيم عصر امپراطورى رسانه ها نام گرفته است. رسانه ها و اينترنت از سلاح هاى جنگ نرم هستند كه با تحريك افكار عمومى و تهيج احساسات شهروندان مى تواند ضربه هاى جبران ناپذيرى بر پيكره يك جامعه يا نظام سياسى يا روان افراد وارد كند ديده ايم در اعتراضات مردمى رسانه ها كارى مى كنند كه اعتراضات به سوى اغتشاشات و ناامنى كشيده شوند كه در اين امر رسانه هاى بيگانه جنگى نرم را شروع مى كنند و به تدريج به سوى جنگ سخت مردم را سوق مى دهند. تهديدات نرم حالتى پيچيده دارد و حاصل پردازش ذهن هاى پويائى نخبه ها است در جنگ نرم مهاجم تمامى هويت هاى فرهنگى كشور هدف را سلب مى كند و تغيير مى دهد.

در جنگ هاى نرم از سلاح هاى نظامى استفاده نمى شود و سلاح اين جنگ سلاح هاى اعتقادى و تبليغاتى است. از اين جنگ در زمانى استفاده مى شود كه دشمن بر اساس تجربه ي خود مى داند كه تغيير نظام و افكار ملت مقابل با استفاده از جنگ سخت و سلاح هاى نظامى ممكن نيست.

پس كشور مهاجم با طراحى و برنامه ريزى دقيقى جنگ نرم را شروع مى كند جنگ نرم جنگى كاملا آرام و تدريجى مى باشد. كشور مهاجم با ارائه تصويرى نااميد و مايوس و شكست خورده از كشور هدف و موفق و عالى نشان دادن خود جنگ روانى را آغاز مى كند و مردم كشور هدف رو مورد هجوم روانى قرار مى دهد جنگ نرم جنگى پايدار و مداوم است و در صورتى كه نتيجه ي موفقى داشته باشد موجب تغيير باورها و اعتقادات اصلى مردم مى شود و زمانى كه اين اتفاق رخ بدهد و

اين باورها تغيير كند بازگردادن آن به حالت اوليه كارى بس دشوار و ناممکن است.



محدوده تهديدات نرم، زمينه هاى سياسى، اجتماعى و فرهنگى است جنگ هاى نرم آغازى بر جنگ هاى سخت هستند.

جنگ نرم ترديد آفرين است ايجاد ترديد و بديينى نسبت به بسيارى از مسائل يك اصل و قاعده است حركت در اين جنگ با خلق ترديد و ايجاد نااميدى و ياس شروع مى شود و براى نو پردازى به صورت ظريف و آرام در باورها و اعتقادات اساسى ترديد ايجاد مى شود و به مرور به دامنه اين ترديد ها افزوده شده تا در نهايت به ايجاد تغييرات اساسى در ارزش ها و باورها دست يابند جنگ نرم از ابزار روز استفاده مى كنند در اين نوع جنگ، از پيشرفته ترين تكنيك هاى روز استفاده مى گردد فضائى مجازى و سايبيرى، محيط اصلى جنگ نرم در شرايط كنونى به حساب مى آيد. اين فضا، امكان اغواگرى با ايجاد جاذبه هاى گوناگون و خلق بستر هاى لازم براى سوار شدن به امواج احساسات را به خوبي فراهم مى سازد.

اما چكار كنيم تا بتوانيم با بهره گيرى از سازوكار هاى مختلف از اعمال تهديدات نرم پيشگيرى كنيم و يا از دامنه اثرات اجتماعى و فرهنگى و

سياسى آن ها را كاست و يا از ميان برد. براى مقابله با جنگ نرم، نخست بايد ويژگى هاى اين نوع جنگ را آناليز كرده و خوب بشناسيم و بدانيم كه جنگ نرم با جنگ سخت، چه تفاوت هاى دارد. آنچه در جنگ سخت مورد هدف قرار مى گيرد، جان انسان ها، تجهيزات، امكانات و بناها است كه معمولا در اين مواقع با استفاده از همين مسائلى كه مورد هدف قرار گرفته است، افكار عمومى عليه دشمن فعال مى شود، در حالى كه در جنگ نرم آنچه هدف قرار مى گيرد، افكار عمومى است. براى دستيائى به اين هدف، بايد پيش از گذشته رسانه ها را مورد توجه قرار داد و افكار عمومى داخلى و جهانى را نسبت به دروغ پردازى رسانه هاى خارجى، آگاه كنيم اين دو مهم فقط با تقويت رسانه هاى خودى و تلاش براى بين المللى كردن اين رسانه ها، ميسر است. ديپلماسى رسانه اى در سياست خارجى هر كشور به دو صورت تحقق مى يابد يكى مديريت رسانه ها توسط سازمان هاى ديپلماتيك رسمى كشور و ديگرى به صورت خود جوش و در راستاى سياست هاى كلان كشورها هر ملتى و كشورى داراى منابع قدرت نرم است كه شناسايى و تقويت و سازمان دهى آنها مى تواند بر اساس يك طرح جامع تبديل به يك فرصت و هجوم به دشمنان طراح جنگ نرم شود.

نويسنده: احمد ايار

سه گانه کمبود معلم

بخش علمی



بازنشسته خواهند شد. در حالیکه این آمار در اختیار بوده و ساده‌ترین کاری است که مدیریت آموزش و پرورش می‌تواند انجام دهد.

راه حل

برای انجام صحیح برنامه‌ریزی نیروی انسانی در آموزش و پرورش، نخست باید از مدیران و کارشناسان تخصصی و حرفه‌ای استفاده نمود و مدیریت آن نیز در سطح کلان و اجرا به صورت منسجم انجام پذیرد یعنی آنکه از تعداد واحدهای تصمیم‌گیر در زمینه مدیریت منابع انسانی پرهیز شود.

برای برنامه‌ریزی نیروی انسانی می‌توان از جدول کهورت و روش‌های برنامه‌ریزی و پیش‌بینی نیروی انسانی استفاده کرد به طوری که متولدین امروز در کشور می‌تواند تعیین کننده این باشد که در ۶ سال بعد ما چه تعداد دانش‌آموز پایه اول ابتدایی خواهیم داشت (البته با محاسبه نرخ

معلم کارآمد اهتمام جدی به خرج دهند.

ضعف در برنامه‌ریزی نیروی انسانی

یکی از کارکردهای اصلی و دارای اولویت مدیریت منابع انسانی، برنامه‌ریزی نیروی انسانی است و لذا ضرورت دارد تا مدیران آموزش و پرورش در این رابطه دقت نظر بیشتری داشته باشند. متأسفانه حداقل‌های برنامه‌ریزی نیروی انسانی در آموزش و پرورش کشور انجام نمی‌شود به طوری که قادر به پیش‌بینی نیروی انسانی مورد نیاز برای حتی یک سال هم نبوده‌ایم و بیشتر کمبودها را در هر سال بیان می‌کنیم. مدیریت منابع انسانی در آموزش و پرورش در سطح کلان کشور فاقد توانمندی‌های حرفه‌ای و تخصصی بوده و حتی نمی‌تواند به درستی پیش‌بینی کند که طی چند سال آینده چه تعداد از نیروی انسانی در آموزش و پرورش

آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد و گسترش توسعه در ابعاد مختلف آن است. هر جامعه‌ای که در آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری کرده است، راه توسعه را به آسانی پیموده و حتی این راه را نیز کوتاه و کم‌مخاطره کرده است. اگر چه در کشور ما در شعار به کرات به اهمیت آموزش و پرورش اشاره می‌شود، ولیکن در عمل کمتر به این مهم توجه شده و گاهی نیز مورد غفلت قرار می‌گیرد.

یکی از کلیدی‌ترین عناصر آموزش و پرورش، نیروی انسانی و به طور اخص معلم است. چنانچه همه عوامل و عناصر در آموزش و پرورش (برنامه درسی، فضا و تجهیزات، منابع مالی و ...) وجود داشته باشد، اما معلم کارآمد و اثربخش موجود نباشد نمی‌توان در زمینه تعلیم و تربیت موفق شد به این لحاظ، دولتمردان بایستی در خصوص تامین، تربیت و نگهداشت نیروی انسانی و معلم

افت ناشی از مرگ و میر و مهاجرت). برای پیش‌بینی نیروی انسانی سایر پایه‌ها نیز از جدول کهورت می‌توان بهره برد.

یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت منابع انسانی مجموعه قوانین و مقرراتی که در رابطه با کارکرد های منابع انسانی جهت اقدام مثبت، امنیت شغلی، بهداشت و ایمنی تصویب می‌شود. عمده‌ترین موارد قانونی که به این بحث اهمیت داده‌اند عبارتند از:

- قوانینی که برنامه ریزی نیروی انسانی را الزامی می‌سازد.
- قوانین مالیاتی.
- قوانینی که تنظیم مزایا را برای کارکنان الزامی می‌سازد.
- قوانین موثر بر سن بازنشستگی.
- قوانینی که رفتارهای مدیریتی مشخصی را منع می‌کند.

ساماندهی نامناسب نیروی انسانی در آموزش و پرورش

بر اساس آمار سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ وزارت آموزش و پرورش، تعداد ۱۴۷۴۹۰۶۹ نفر دانش‌آموز و تعداد ۷۱۱۶۹۴ نفر نیروی انسانی آموزشی در آموزش و پرورش وجود دارد با محاسبه نسبت نیروی آموزشی به دانش‌آموز، می‌توان دریافت که این نسبت ۱ به حدود ۲۱ است که نسبتی معقول و قابل قبول است. اما مسأله اینجاست که سازماندهی نیروی انسانی در آموزش و پرورش به گونه‌ای انجام می‌شود که در برخی از مناطق نظیر شهرهای بزرگ این نسبت به ۴۵ نفر و بیشتر هم می‌رسد و در برخی از مدارس روستایی، این نسبت به نحوی است که یک نفر معلم وظیفه آموزش تنها یک نفر دانش‌آموز را بر عهده دارد. با ملاحظه ی آمار مدارس کوچک

(کم جمعیت) در کشور، مشخص می‌شود که تعداد مدارس ۱ تا ۵ نفر دانش‌آموز، ۴۷۱۳ مدرسه است که تعداد ۱۶۸۶۲ نفر دانش‌آموز را پوشش می‌دهند و تعداد مدارس ۶ تا ۱۰ نفر دانش‌آموز هم، ۶۵۰۴ مدرسه است که تعداد ۵۱۳۹۱ دانش‌آموز را تحت پوشش خود دارند، با محاسبه‌ای که نگارنده در خصوص نسبت حقوق معلمین مدارس ۱ تا ۵ نفره به دانش‌آموزان این مدارس انجام داده است، به ازای هر دانش‌آموز (با میانگین حقوق ۵ میلیون تومان هر معلم)، مبلغ ۱۷ میلیون تومان هزینه می‌شود و لذا نمی‌توان از این نوع سازماندهی نیروی انسانی به آسانی دفاع کرد.



نقل و انتقال غیرکارشناسی نیروی انسانی در بین استان‌ها و مناطق کشور به دلایل مختلف نیز باعث نابسامانی در سازماندهی نیروی انسانی شده و گاهی در برخی از استانها کمبود نیروی انسانی و در برخی دیگر مازاد نیروی انسانی وجود دارد.

راه حل

برای حل این مسأله لازم است که در سازماندهی نیروی انسانی بازنگری جدی به عمل آید. در ضمن، نگارنده

در سال‌های گذشته طرح ساماندهی مدارس کوچک را به وزارت آموزش و پرورش ارائه نموده است که می‌تواند بسیاری از مشکلات را مرتفع سازد ولیکن تاکنون اقدام مؤثری در این زمینه انجام نپذیرفته است. لازم است از طریق اعمال قوانین سخت گیرانه نقل و انتقال نیروی انسانی بین استان‌ها و مناطق کشور و استخدام منطقه‌ای نیروی انسانی از بی سامانی نیروی انسانی جلوگیری نمود. همچنین باید با استفاده از سازوکارهای تشویقی و اعطای امتیازات ویژه، کمبود نیروی انسانی مناطق ناپروخوردار را جبران کرد.

ایزوله بودن برنامه درسی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که آموزش و پرورش کشور ما را زمین گیر کرده و نتوانسته است به درستی رسالت آموزش و تربیتی خود را به انجام برساند، ایزوله بودن برنامه درسی (منفک بودن برنامه ی درسی) و تعدد دروس، چندگانگی محتوا و عدم انسجام در یادگیری و فهم مطالب است.

با وجود اینکه پرداختن به مسأله ایزوله بودن برنامه درسی در ابعاد مختلف آن، یک موضوع حائز اهمیت است، ولیکن در این نوشتار تنها به اثر آن بر روی تربیت، سازماندهی و بکارگیری نیروی انسانی می‌پردازیم.

ایزوله بودن برنامه درسی در نظام آموزشی کشور، تخصصی و جزئی شدن دروس و حجیم شدن محتوای آموزشی باعث گردیده تا برای هر درس تخصصی نیازمند یک نیروی انسانی متخصص در رشته خاص باشیم. مثلاً برای درس فیزیک به معلم تخصصی فیزیک و برای درس تخصصی شیمی به

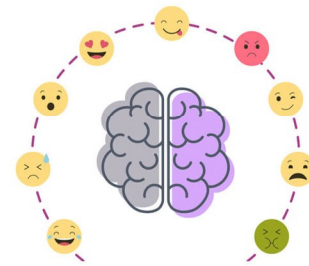
به معلم تخصصی شیمی نیاز است بنابراین اگر در رشته فیزیک کمبود معلم داشته باشیم ولی در رشته شیمی معلم مازاد داشته باشیم، دچار بحران تأمین نیروی انسانی می‌شویم و این پروسه طی سالیان متمادی در کشور وجود داشته و اکنون نیز موجود است.

راه حل

مهم‌ترین و کلیدی‌ترین راه حل مشکلات متعدد آموزش و پرورش به طور کلی و کمبود نیروی انسانی به طور خاص، برنامه درسی تلفیقی است یعنی اینکه با تلفیق برنامه‌های درسی، تعداد دروس و تعدد و حجیم بودن محتوای آموزشی کاهش یابد و لذا هم مسأله انسجام برنامه‌های درسی رفع می‌شود و هم اینکه تعدد معلم مورد نیاز نیز از بین می‌رود. بنابراین با استفاده از تربیت معلم چندمهارتی می‌توان از یک معلم برای آموزش چند درس بهره برداری کرد و به نحوی مؤثر کمبود نیروی انسانی در آموزش و پرورش برطرف خواهد شد.

نویسنده: فاطمه زهرا نیاصادق

منبع: آمار و ارقام از سایت خبرگزاری تسنیم.



تنظیم هیجان

بخش علمی

تنظیم هیجان خسیصه ای از هوش هیجانی است. هیجانها از دیدی کارکردی تلاشهایی همگرا توسط فرد محسوب می‌شوند که به منظور بقای تغییر و یا خاتمه دادن به روابط میان افراد و محیط تاثیر گذار. تنظیم هیجان به معنای تلاش افراد برای تاثیر گذاشتن روی نوع، زمان و چگونگی بیان، تغییر طول دوره و یا شدت فرایندهای تجربی، رفتاری و یا جسمانی هیجانها است و به طور خودکار یا کنترل شده، هشیار یا ناهشیار و از طریق بکار گیری راهبردهای تنظیم هیجان صورت می‌گیرد. تنظیم هیجان موفق همراه با دستاوردهای مثبت چون رشد صلاحیت های اجتماعی، سلامتی بکار گیرنده تنظیم هیجان است و در مقابل هیجان تنظیم نشده همراه با اشکال متفاوت آسیب شناسی روانی است. پژوهشگران معتقدند که شکست در بکار گیری و اصلاح مهارتهای تنظیم هیجان پیش بینی کننده آسیبهای روانی فرد در آینده بوده و افراد را مستعد اختلالات روانی بعدی می‌کند. فرایندهای شناختی می‌توانند به ما کمک کنند تا بتوانیم مدیریت و تنظیم هیجانها را بر عهده گیریم تا از این طریق بر مهار هیجانها پس از وقایع استرس زا قادر گردیم. راهبردهای متعددی برای تنظیم تجارب و فرایندهای مختلف هیجانی وجود دارند که در اختلالات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته اند.

نویسندگان: زیبا نصرالهی، فائزه فتحی زاده

با اقتباس از مقاله دکتر ندا علی بیگی، دکترا روانشناسی بالینی از وبسایت: sid.ir

تنظیم هیجان به تمام راهبردهایی مربوط می‌شود که برای کاهش، حفظ و افزایش یک هیجان به کار می‌رود. مفهوم تنظیم هیجان، خیلی وسیع است و گستره وسیعی از فرایندهای شناختی رفتاری، هشیار و ناهشیار را شامل می‌شود. راهبردهای تنظیم هیجان بر رشد شخصیتی، شناختی، هیجانی و اجتماعی افراد دخالت دارد. سوگیری و تناقض بین این عوامل موجب بروز اختلالات هیجانی می‌شود. بعضی از راهبردهای تنظیم هیجان در سطح شناختی فکر کردن هستند، در حالی که بعضی دیگر در سطح مداخلات رفتاری عمل رفتاری هستند و بعضی دیگر ترکیبی از هر دو می‌باشند. در این راستا، تنظیم شناختی هیجان بر مدیریت هشیارانه و شناختی اطلاعات و رویدادهای برانگیزاننده هیجان اشاره دارد.

امروزه دیدگاه عمومی بر این است که هیجانها قبل یکی از انتقادهای اولیه به رفتارها واقع می‌شوند و تاکید بر هیجانها و مفید بودن آنها سازگاری فرد با ضروریات محیط فیزیکی و اجتماعی را بهینه می‌سازد. سالها پژوهش، دلالت بر نقش مهم تنظیم هیجان در سازش با وقایع تنیدگی زای زندگی دارد. تنظیم هیجان دلالت دارد بر به کار گماشتن افکار و رفتارهایی که در هیجانهای آدمی تاثیر می‌گذارند. گمان می‌شود توانایی

نقش آموزش و پرورش در تولید ملی

بخش علمی



در جهان امروز و در عصر احاطه شدن بشر با موجی بی پایان از اطلاعات و رسانه های گوناگون انتخاب سبک زندگی صحیح را دشوار ساخته و انسان محوری و آسیب به بنیان های اخلاقی از پیامدهای عصر انفجار اطلاعات بوده است. یکی از این آسیب های بزرگ بحث الگوی مصرف و توجه به تولیدات ملی است که اگر برنامه ریزی صحیحی در حوزه فرهنگ سازی صورت نگیرد زیان های جبران ناپذیری خواهد داشت. آموزش و پرورش براساس ساحت اقتصادی و تاکید بر تربیت در مسیر ایجاد جامعه صالح و وظیفه سنگینی به عهده دارد. حرکت در راستای احقاق اهداف گام دوم و جهش علمی و اقتصادی منوط به ایجاد درک و گرایش درونی عمیق نسبت به دستاورد ها و تولیدات داخلی است.

نقش آموزش و پرورش در فرهنگ سازی استفاده و مصرف کالای ایرانی واقعیت آن است که چه بخواهیم و چه نخواهیم گرایش به سمت مصرف کالا های خارجی در کشور ما وجود دارد و آثار و عوارض سوء آن در همه جنبه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور قابل مشاهده است. برای اصلاح این عادت ناپسند باید دست به دست هم بدهیم و از راه های درست وارد شویم تا تحقق کامل اهداف جهاد اقتصادی را شاهد باشیم.

تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» اگرچه شعاری به ظاهر اقتصادی است، اما بنا به تاکید مقام معظم رهبری انقلاب، بخش عظیم حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی به مردم باز میگردد و نقش افراد جامعه در این حمایت نه تنها کم رنگ تر از دولت و حلقه های اصلی اقتصاد تولید یعنی کارگران و سرمایه گذاران

نیست، بلکه این نقش بسیار اساسی و با اهمیت است، چراکه کم اقبالی افراد جامعه به تولیدات داخلی ریشه ای فرهنگی دارد و این موضوع حرکت چرخ های کار و صنعت را با چالش جدی مواجه می کند و به وابستگی، عقب ماندگی و در نهایت رکود اقتصادی - اجتماعی منجر خواهد شد. یکی از مهمترین چالش های فرهنگی موجود در جامعه ما اسطوره کیفیت کالای خارجی، است. پدیده ای که مانند بسیاری از چالشهای فرهنگی دیگر علاوه بر ریشه تاریخی با ابزار قوی رسانه و از راه تبلیغات گسترده کالاهای خارجی در ذهن بیشتر افراد ایرانی جای گرفته است. «دلبستگی به تولیدات بیگانه» امری است که مقام معظم رهبری از آن به عنوان «آفت اجتماعی» تعبیر میکنند.

مدارس به سبب حضور کودکان و نوجوانان و تاثیر پذیری آنان در جامعه بویژه خانواده، نقش بسیار مهمی در فرهنگ سازی حمایت از تولید ملی و استفاده از کالاهای ایرانی دارند.

باید اذعان کرد، نقش مهم و تاثیر گذار آموزش و پرورش در فرهنگ سازی و اصلاح فرهنگ غرب زدگی بسیار حائز اهمیت بوده که آموزش و پرورش با در اختیار داشتن ۱۴ میلیون نفر از

نفر از جمعیت کشور که معادل ۱۸ درصد کل جمعیت است می تواند در تبیین الگوی استفاده از کالاهای ایرانی و اصلاح فرهنگ بیگانه تاثیر فراوانی داشته باشد.

راهکارهای پیشنهادی

الف) وزارت آموزش و پرورش

سعی وزارت در عقد قرار دادها و پیمان سپاری ها منطبق بر حمایت تولید و استفاده از تجهیزات آموزشی و تربیتی داخلی بوده و همت خویش را در کمک به کارخانجات ایرانی معطوف نماید. تمام سازمان های وابسته و مراکز استانها را ملزم به تهیه و استفاده از منابع داخلی شامل وسایل کمک آموزشی، محتوای الکترونیکی، تجهیزات اداری و دفتری نماید.

سازمان میراث فرهنگی و شهرداری ها و صاحبان کارخانه ها توافق لازم معمول را که علاوه بر ایرانگردی در تورهای دانش اموزی، از کارخانجات و مراکز تولیدی بازدید کرده تا نسبت به محصولات داخلی اطلاعات کافی برای دانش آموزان جهت انتقال به خانواده ها حاصل شود.

سالانه مسابقات و دوره های کوتاه مدت برای معلمان و دانش آموزان با محوریت فرهنگ مصرف کالای ایرانی برگزار نماید.

ساخت ایران بخیریم تا ایران ساخته شود



هموطن گرامی به نظر شما اگر تمام مدارس کشور، روپوش مدرسه حدود ۱۲ میلیون دانش آموز ایرانی را از پارچه های تولید داخل کشور سفارش دهند چند هزار تولیدی و فرصت اشتغال برای جوانان ایرانی فراهم خواهد شد؟!

بدلیل حمایت از تولید ملی و تاکید رهبر معظم انقلاب مبنی بر اقتصاد مقاومتی تمام روپوش و شلوار دانش آموزان این مدرسه از پارچه های باکیفیت ایرانی سفارش داده شده است.

مدیریت دبستان استعدادهای ناب صالحین

نمونه ای از حمایت تولید ملی توسط مدارس

ب) معلمان

معلم بعنوان عضو موثر نظام آموزشی در آموزش و القاء دقیق از محتوا و اصالت بینش فرهنگی میتواند نقش آفرینی نماید. و فرهنگ صحیح استفاده از تولید داخلی را توسط دانش آموزان به خانواده و سطح جامعه منتقل کند. در این راستا رسالت معلمی ایجاب می نماید:

همواره در کنار آموزش و تفهیم مطالب کتب درسی و علمی، نگاهی عمیق به عمق پیام مقام معظم رهبری داشته و دانش آموزان را تشویق به هدایت خانواده ها به سوی پرهیز از فرهنگ مصرفگرایی اجناس خارجی و حمایت از تولید داخلی داشته باشد.

تدریس عملی معلم که همان رفتار عینی او در کنار آموزش تئوری مفاهیم است میتواند تعیین کننده و الگو برای شاگردان خود باشد و سخن خود را در قالب پیام فرهنگی به دانش آموزان و خانواده ها و در نگاه کلی به جامعه منتقل و از آن بهره کافی را در جهت کمک به رشد و شکوفایی اقتصاد کشور بعمل آورد.

ج) دانش آموزان

دانش آموزان که جمعیتی نزدیک به ۱۴ میلیون نفر را شامل میشود میتواند در تبیین الگوی استفاده از کالای ایرانی و اصلاح فرهنگ بیگانه تاثیر بسزایی داشته باشند.

دانش آموز میتواند فضایی با نشاط برای تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی ایجاد نماید که اینان مهمترین سرمایه های کشور و اول را در خانواده ها بردارند.

تجربه استفاده از دانش آموزان بعنوان همیار پلیس در چند سال اخیر خود گواه روشنی بر این موضوع است که آنان میتوانند سخن اثر گذار در بین خانواده و سطح عمومی جامعه در جهت ایجاد رغبت به استفاده و بهره مندی از تولید داخلی داشته باشند.

به تجربه ثابت شده طرح ها و برنامه هایی که در بعد فرهنگ سازی تمرکز بیشتری بر آموزش و پرورش بخصوص قشر معلمان داشته موفق بوده و اثرات ماندگارتری داشته است چون آموزه های لازم را از موثرترین مسیر یعنی فکر خلاق مرییان و ذهن رو به شکوفایی دانش آموزان به خانواده ها و جامعه تسری داده اند. معلمان باعث شکوفایی استعدادها و ارتقاء کیفیت نیروی انسانی می گردند و افزایش کیفیت نیروی انسانی موجب افزایش بهره وری و تسریع رشد اقتصادی می شود. تاثیر آنان از بعد فرهنگی و اجتماعی نیز قابل طرح است. بدین معنا که در جوامع سبب تغییر نگرشهای فرهنگی و اجتماعی می شود که این تغییرات به نوبه خود سبب هموار تر شدن راه رشد و به ویژه توسعه پایدار خواهد شد و موجب می شود نگرشهای سنتی و خرافاتی جای خود را به نگرشهای علمی دهند.

در یک نگاه کلی میتوان آموزش و پرورش را بعنوان یک موتور محرک در شتاب دادن به تحقق اهداف گام دوم دانست. چراکه اصلاح سبک زندگی بویژه الگوی مصرف ارتباط و نزدیکی زیادی به پایه های فکری و تربیتی افراد درون یک نظام اجتماعی دارد آموزش و پرورش میتواند در این میان سهم بسزایی داشته باشد.

نویسنده: نگار صیدی

منابع:

بیانیه گام دوم انقلاب

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

وبسایت:

<http://lmadreseh.blogfa.com/post/2>



هوش مصنوعی

بخش علمی

دستیارهای صوتی نیز به مرور به گوشی‌های هوشمند اضافه می‌شدند که کاربرد فناوری جدید را در زندگی ما بیشتر کردند.

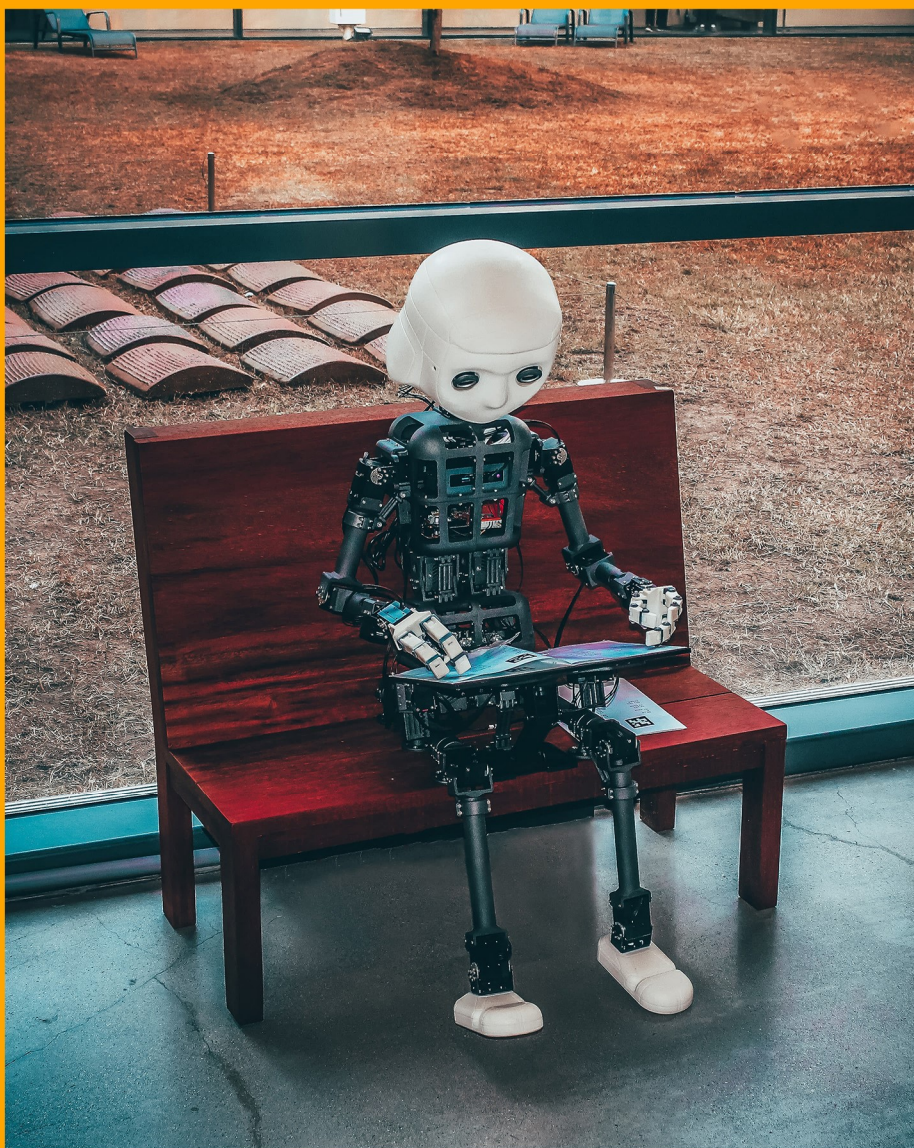
دستاورد مهم بعدی، شکست قهرمان بازی گولف لی سدول، توسط هوش مصنوعی AlphaGo در سال ۲۰۱۶ بود. یک سال بعد، آلفاگو توانست کی جی، قهرمان وقت بازی را شکست دهد که به گواه بسیاری، نقطه‌ی مهم پیشرفت هوش مصنوعی در تاریخ بود. بازی گو پیچیدگی‌های بسیار بیشتری نسبت به بازی شطرنج دارد و توانایی شکست دادن قهرمان آن، نشان‌دهنده‌ی هوشمندی

در کتاب‌های داستانی همچون فرانکشتاین و R.U.R، نمونه‌هایی از ماشین‌های هوشمند دیده شدند. کاراکترهای موجود در داستان‌های مذکور، اولین چالش‌ها را درباره‌ی اخلاقیات حوزه‌ی هوش مصنوعی مطرح کردند و به‌نوعی موجب تولد نگرانی‌ها نیز شدند.

کاربرد هوش مصنوعی: از کاربردهای مهم هوش مصنوعی در زندگی کاربران دهه‌ی ۲۰۱۰، می‌توان به کنسول بازی ایکس باکس ۳۶۰ و ابزار کینکت آن اشاره کرد که پس از سال‌ها تحقیق و توسعه، درک ساختار سه بعدی بدن را ممکن می‌کرد.

با شنیدن یا خواندن اصطلاح هوش مصنوعی، تصاویر و اصوات گوناگونی در ذهن ما شکل می‌گیرد. برخی صدای دستیارهای هوشمندی همچون سیری و کورتانا و الکسا را می‌شنویم و برخی دیگر، به‌یاد تصاویر وحشتناک و نگران‌کننده‌ی فیلم‌های علمی تخیلی همچون ترمیناتور می‌افتیم.

تاریخچه هوش مصنوعی: موجودات هوشمندی که توانایی تفکر داشته باشند، در اسناد تاریخی از دوران باستان دیده می‌شوند. اولین تعریف از چنین موجوداتی، آن‌ها را ابزارهایی با قابلیت داستان‌گویی می‌دانستند. پس از گذشت قرن‌ها،



هوشمندی بسیار بالایی کامپیوتر بود. هوش مصنوعی کاربردهای متنوعی دارد. تعدادی از مهمترین کاربردهای هوش مصنوعی شامل استفاده در وسایل نقلیه خودگردان (مثل پهپادها و اتومبیل‌های خودران) تشخیص‌های پزشکی، خلق آثار هنری، اثبات قضیه‌های ریاضی، انجام بازی‌های فکری، تعیین هویت تصاویر (تشخیص چهره) و صداها، ذخیره انرژی، جستجوگرهای اینترنتی، تهیه قراردادهای و پیش‌بینی آرای قضایی می‌شوند.

آینده هوش مصنوعی و تأثیر آن بر جهان: رویکرد کنونی جهان به سمت توسعه ربات‌هایی با قابلیت فعالیت خودکار و درک و حرکت در جهان پیرامون، نشان دهنده‌ی هم‌پوشانی طبیعی است که بین علم رباتیک و هوش مصنوعی وجود دارد. هوش مصنوعی یکی از فناوری‌های متعدد مورد استفاده در ربات‌ها محسوب می‌شود. از طرفی توسعه‌ی هوش مصنوعی باعث شد تا ربات‌ها در حوزه‌های جدیدی همچون خودروهای خودران و ربات‌های تحویل کالا و ربات‌های آموزگار دیده شوند.

آیا هوش مصنوعی بشر را نابود می‌کند؟ پاسخ به نگرانی درباره‌ی تهدیدهای هوش مصنوعی، به مخاطب سؤال بستگی دارد. به هر حال با پیشرفت سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، نگرانی

و تهدیدی جدی برای جامعه‌ی بشری خواهد بود.

نویسنده: ستایش اداری

موجودیت تمدن بشری» می‌داند. او در مسیر تلاش‌هایش برای افزایش نظارت و تنظیم‌گری بر تحقیقات هوش مصنوعی و کاهش اثرات مضر آن، شرکت تحقیقاتی OpenAI را به صورت یک سازمان غیرانتفاعی راه‌اندازی کرد. استیون هاو کینگ فقید نیز درباره‌ی تهدیدهای هوش مصنوعی هشدار داده بود. او اعتقاد داشت وقتی هوش مصنوعی حرفه‌ای و پیشرفته توسعه داده شود، با سرعت زیادی انسان را پشت سر می‌گذارد اصل



جمهوری اسلامی ایران
وزارت اطلاعات



بیانیه مشترک وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه درباره نقش سیا در اغتشاشات اخیر

به شبکه های همسو و غرب گرا متصل کنند. این شبکه نفوذی به عنوان پیاده نظام، تغییرات اجتماعی وظیفه ایجاد مطالبات کاذب، انحراف در مطالبات مردمی و تحریک عمومی برای ایجاد نارضایتی را با القای بحران کارآمدی مطالبه سازی کاذب بر عهده دارند. دوره های آموزشی جنگ های ترکیبی و براندازی نرم: ماموران رژیم دژخیم آمریکا با برنامه های به اصطلاح «توسعه دموکراسی و آزادی» تحت پروژه های گوناگونی، پیاده نظام اجاره ای خود را تامین مالی می کنند. آموزش اقسام جنگ شهری و تکنیک های شورش اجتماعی می دهند و ارادل و اوباش را شناسایی و سازماندهی می کنند و به جان مردم و اموال آنها می اندازند. تعدادی از سازمانهای برگزار کننده دوره ها تحت عناوین واقعی یا جعلی همچون اتحاد برای ایران، عدالت برای ایران، آیرکس، خانه آزادی، اسمال مدیا، بنیاد سیامک پورزند، ائتلاف ایمپکت ایران، توانا تک، بنیاد.

نیابتی های مرتجع و پیش از آغاز آشوب ها برای راه اندازی غائله ای سراسری در ایران با هدف ارتکاب جنایت علیه ملت بزرگ ایران و تمامیت ارضی کشور و نیز زمینه سازی برای تشدید فشارهای خارجی طراحی میسوطی به عمل آورده بود طبق اطلاعات موجود نقش اصلی را در این میان آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا به عهده داشت و از همکاری نزدیک سرویس اطلاعات خارجی انگلستان خبیث، سرویس اطلاعات خارجی رژیم کودک کش صهیونیستی (موساد) و سرویس اطلاعات خارجی اشرافیت بدوی آل سعود و چند کشور دیگر برخوردار بود اما برخی اقدامات سرویس های جاسوسی ذکر شده برای زمینه سازی آشوب ها به شرح ذیل بوده است: تاسیس شبکه «سازمان های همدستان» سازمان های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا در پوشش فعالیت های حقوق بشری و ترویج دموکراسی با اختصاص میلیارد ها دلار بودجه در سال تلاش کردند عناصر مستعد را شناسایی و

گروه سیاسی وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه در بیانیه مشترکی با افشای پروژه سیا برای ویران سازی ایران آن را یک پروژه شکست خورده اعلام کردند. به گزارش فارس در بخشی از این بیانیه آمده است: رصد های دقیق و مستمر اطلاعاتی در بیش از یک سال گذشته همچنین مستندات موجود از مقطع اغتشاشات اخیر و نیز اطلاعات به دست آمده از سناریو های دشمن برای مقطع پسا بحران مصادیق فراوان و استندات غیر قابل انکاری از نقش آفرینی همه جانبه رژیم تروریستی آمریکا در طراحی، اجرا و استمرار غائله مذکور دارد بنابراین تمرکز مبنایی بیانیه حاضر بر نقش رژیم مافیایی آمریکا و هم پیمانان و پیاده نظامشان در اغتشاشات اخیر کشور در سه مقطع پیش، حین و پسا آشوب های کشورمان است.

بخش اول (مرحله پیش از آشوب مستندات اطلاعاتی موجود نشان می دهند سرویس جاسوسی سیا با همکاری سرویس های جاسوسی هم پیمان و

عبدالرحمن برومند، کانون مدافعان حقوق بشر (به سرکردگی شیرین عبادی)، موسسه یلدا و افراد ایرانی خود فروخته شناسایی شده و عناصر آمریکایی اطلاعاتی نظامی و سیاسی بوده اند. رد اطلاعاتی و عملیاتی تعدادی از عناصر مذکور در اغتشاشات اخیر و پیش از آن نیز مشاهده و حسب مورد اقدام مقتضی به عمل آمده است.

بخش دوم) مرحله حین آشوب ها :
طبق اطلاعات کامل موثق سازمان سیا علاوه بر بودجه سالانه اختصاص داده شده به سازمان های اشاره شده به تازگی و پس از آغاز آشوب ها در ایران بودجه کمی معادل حدود ۵۳ میلیون دلار دیگر هم برای امور به اصطلاح رسانه ای و تقویت ابزارهای اینترنتی به منظور حفظ ارتباط با آشوبگران اختصاص داده و در عرصه فناوری و فعالیت های رسانه ای با عنایت به افزایش اثرگذاری شبکه های اجتماعی و مرجعیت خبری آنها عملیات های تاثیرگذاری و جنگ ترکیبی بزرگی علیه مردم ایران در فضای سایبری به راه انداختند مثلا تویتر به دستور رژیم آمریکا با نادیده گرفتن همه قوانین بین المللی و دستورالعملهای فنی و حقوقی خود به سود دشمنان ایران راه را هموار کردند پیاده نظام اجاره ای و ضد انقلاب خارج نشین به هدایت سرویس های اطلاعاتی و با ساختن هزاران کاربر جعلی (روبات) و انتشار اخبار هدفمند و دروغ افکار عمومی را در ایران و جهان فریب دهند.

براساس پایش تویتر فقط در بازه زمانی ۲۰ شهریور ۱۴۰۱ بیش از ۵۰ هزار کاربر جدید فارسی زبان با هویت های جعلی در تویتر ساخته شده است تا علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت کنند. این در حالی است که پیش از آن ماهانه حداکثر حدود ۴ هزار کاربر فارسی زبان در تویتر ایجاد می شود. در ادامه این بیانیه آمده است : شرکت متا به عنوان مالک اینستاگرام و واتس آپ مشابه آن چه تویتر انجام داده همچون دستکاری عمدی الگوریتم های هوش مصنوعی که باعث شد اخبار جعلی، موارد نفرت افکنی و اقدامات خشونت آمیز باشد بسیار زیاد برای جامعه ایرانی به صورت هدفمند منتشر شود با اجاره حساب های کاربری معروف و میلیونی پر تعداد نشان دادند مخاطبین اخبار و اطلاعات برخی صفحات مانند صفحه رسمی موسوم به ایران اینترنشنال سعی در ایجاد خطای محاسباتی در ذهن مخاطب ایرانی کرد. این بیانیه در ادامه به حملات سایبری و اقدامات سیا برای فعال کردن استارلینک در ایران و ارسال تجهیزات آن به داخل کشور نیز اشاره می کند همچنین در این بیانیه با اشاره به حضور تیم سازمان سیا در مقرر گروهک های ضد انقلاب آمده است: در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ تیمی از سیا با پوشش وزارت خارجه آمریکا با حضور در مقرر گروهک حزب دموکرات کردستان ایران در شهر اربیل کردستان عراق با سرکرده آن گروهک به نام مصطفی هجری

دیدار و گفتگو کرد.

تیم سازمان جاسوسی آمریکا ضمن تقدیر از ادغام دو جناح گروهک، از آن ها می خواهد که در اغتشاشات رخ داده در برخی برخی از شهر های کردستان ایران بیش از این ایفای نقش کنند.

بخش سوم) مرحله پس از آشوب :
طبق اطلاعات معتبر پس از سیر نزولی یافتن پروژه اغتشاشات کانال های منتهی به ائتلاف شیطانی به پیاده نظام خود ابلاغ کرده اند تا آمادگی خویش را حفظ کنند و بر محور هایی به عنوان خطوط اصلی اقدامات تاکید کردند .

گردآورندگان:

مینو نوروزی، بهاره علی محمدی

در آمدی بر جنبش های اجتماعی اخیر

با تأکید بر نقش آفرینی عناصر بیگانه و رسانه های خارجی در شکل گیری و راهبری تحرکات اخیر در ایران و جهان

بخش سیاسی



اجتماعی سیاسی ایران از روی کار آمدن خاندان صفوی تا جنبش های اجتماعی قرن بیستم ردیابی کرد که در آن رویارویی ایران با غرب در پرتو طیفی از نظریه های علوم اجتماعی و از جمله نظام های جهانی ، وابستگی و فرهنگ سیاسی اجتماعی رخ می نمایند .

ادامه در صفحه ی بعد ...

پدیدارشناسی تحرکات اجتماعی در ابعاد گوناگون کاملاً در خور توجه و قابل تأمل و بررسی است اما آنچه که رکن اساسی اینگونه تحرکات را تشکیل می دهد و از آن نیز به عنوان ستون فقرات تحرکات اخیر می توان یاد کرد را باید در تاریخ تحولات ایران در قرون اخیر یا به عبارت دیگر در تحولات ساختار

در هفته های اخیر ، تجمعات اعتراضی با اخلاف جدی در فرآیندهای حاکمیتی و اداری در واکنش به فوت مرحومه مهسا امینی برخی از نقاط کشور را فرا گرفت که دارای شعارها و راندمان و پارادایم های سیاسی اجتماعی مختص به خود و منحصر به فرد نیز بود . تحرکات اخیر از منظر جامعه شناختی و



جان فوران

جان فوران، استادیار جامعه شناسی دانشگاه کالیفرنیا در کتاب مقاومت شکننده با عرضه ی تلفیق تازه ای از تاریخ ایران می گوید ساختار اجتماعی ایران حاصل تاریخی پویش های داخلی و خارجی است و روابط سیاسی غرب با ایران و بالعکس، به گونه ای به ترتیبات اجتماعی شکل داده که رشته نهضت های "مقاومت" مردمی را به نمایش گذارده است.

پویایی و جنبش جامعه ایرانی و منحصر به فرد بودن آن در رابطه با شکل گیری اینگونه مقاومت ها نسبت به ملل دیگر بر هیچ مردم شناس و فرهنگ شناسی پوشیده نیست.

همانطور که در روند تاریخ معاصر ایران مشاهده میگردد جامعه ایران در پویایی به مثابه کوهی آتشفشان، فعال و در جوش و خروش میماند که مداوماً در حال اصلاح، حرکت و زاینده گی است.

همین پویایی و جنبش ذاتی موجود در لایه های عمقی و هویتی فرهنگ ایرانی اسلامی بود که موجب سرنوشتی رژیم طاغوت پهلوی و هزیمت سلسله شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ی ایران تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ گردید و همینطور شکل دهنده و خالق قیام های آزادیخواهانه دو طیف روحانیون مبارز همچون فداییان اسلام، دانشجویان پیرو خط امام، احزاب مسلمان انقلابی، جامعه اسلامی و احزاب سیاسی دانشمند، مصلح، دلسوز و کارآمد گردید.

در واقع هویت ترقی خواه ایرانی اسلامی و انسان اجتماعی مسلمان و ایرانی همیشه پدیدآورنده اصناف ترقی خواه عدالت طلب، متدین، مقید و متعهد به اخلاق، انسان و اندیشه، جامعه و قانون بوده است، این مسئله ناظر به گفتمان پویشی و کنشگرانه ای است که جان فوران از آن تحت عنوان پویش های داخلی در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران که در ابتدا ذکر کردیم یاد می کند. درواقع این پویش ها و کنش ها محصول هویت جنبش زای ایرانی اسلامی انسان مسلمان ایرانی است.

اما به همین نسبت جامعه ایرانی و فرهنگ اسلامی در طول تاریخ معاصر جلوه گاه تجلی قیام و مقاومت علیه استعمار و استثمار و استکبار جهانی بوده است از جمله این مقاومت ها می توان به نمونه های تاریخی مقاومت مردم ایران در برابر خباثت های انگلیس و دخالت های این روباه پیر در طول تاریخ ایران که سرشار از حيله، جنایت و نیرنگ و ظلم بوده است اشاره کرد.

آنها با تحمیل قحطی به مردم ایران، انحراف نهضت مشروطه، و سپس با روی کار آوردن دیکتاتوری بیسواد مانند رضاخان اوج خیانت های خود را در ایران به نمایش گذاشتند که در همان دوران با مقاومت مردمی روبرو شد، مقاومتی که خواستار پایان دادن به جنایت های انگلستان در ایران بود. این مقاومت ها که از راهبری روحانیون و علمای بزرگ بهره می بردند در مقابل جنایت های غرب قد علم کردند و از همان دوران قیام های مردمی و داوطلبانه در جای جای کشور علیه انگلیس و استعمار غرب شکل گرفت و حرکت های مردمی همچون مقاومت عمومی در برابر امتیاز استعماری رژی، نهضت مردم جنوب در برابر تجاوز قوای انگلیس، نهضت فارس، مخالفت با قرارداد

استعماری ۱۹۱۹ و مقابله مردم ایران با جنایت انگلیس در دوران نهضت ملی نفت پدید آمد.

در تمام حرکت های اجتماعی نسبت معترضین با مفاهیمی مانند گفتمان، وابستگی، ترقی خواهی، آزادی مثبت، عدالت اجتماعی، ایدئالیسم غربی، فرهنگ غرب، توسعه فرهنگی، پیشرفت، استقلال، حفظ تمامیت ارضی، هویت ایرانی اسلامی، عزت و اقتدار، سربلندی و سرافرازی و دین و مذهب و .. مَقُوم محتوا، درون مایه و مبانی است که خالق حرکت های اجتماعی و جنبش های اجتماعی بوده، به آن ها شکل داده و آنها را قوام می بخشند.

جنایت های آمریکا در ایران و خاورمیانه و حتی در جهان (آفریقا و آمریکای لاتین) به گواهی تواریخ معتبر (ر.ک شلیک کن و فراموش کن: امیرخانی خدیجه - ایران ۵۲ آمریکا. روایت ۴۴۴ روز جزا ندن یک ابرقدرت: جمعی از نویسندگان - عقاب در آتش: آقایی عباس - سند بردگی: مرادحاصلی خامنه اعظم - چکمه سیا: ملکان مجید) و اسناد لانه جاسوسی (ر.ک اسناد لانه جاسوسی «دوره ۱۱ جلدی» ناشر: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی) و اعترافات پنتاگون و روسای جمهور این کشور بر کسی پوشیده نیست: غرب این بار با هدف تحقق بخشیدن به گزاره دوم جان فوران یعنی "دخالت برای چیرگی بر ساخت حاکمیتی و اجتماعی ایران و شکل جدید بخشیدن به ترتیبات اجتماعی کشور" با اهداف استعماری و استثماری و بانی تسلط و ایجاد یوغ استبداد غربی در چهره ای جدید با شیوه های نوینی از استعمارفرانو و امپراطوری رسانه پیرو سیاست های استعماری گذشته خود برخی از اعتراضات مردمی کشور را در دست گرفت و با سوء نیت اقدام به هدایت و راهبری اعتراضات کرد و

این اعتراضات را با تکیه بر ابزار رسانه و طرح ریزی های استراتژیک رسانه ای در ایران به اغتشاشات کشانید و مجدداً اقدام به بازتکرار و بازتولید نمونه های قبلی از جنایات خود در ایران مانند انحراف نهضت ملی مردمی نفت ایران و قراردادهای استعماری و بهره وری ظالمانه این بار در صورتی جدید کرد .

موج احساسات عده ای از جوانان و نوجوانان کشور نیز به دلیل عدم اهتمام لازم در تولید فرهنگ اجتماعی مطلوب و بی اهمیتی متولیان اجرایی فرهنگ و سیاست گذاران کلان فرهنگی به پروسه انتقال مولفه های فرهنگ آرمانی و اسلامی به قلمرو فرهنگ واقعی توسط آنها که بدنه نظام تعلیم و تربیت ما را اشغال کرده اند در مواجهه با پروپاگاندا ی رسانه ای غرب فوران کرد و شور و هیجان جوانی مقارن آگاهی و گفتمان و مطالعه و مطالبه و شعور قرار نگرفت و منجر به صدمات جدی به امنیت ، عمران و رفاه گردید و روان اجتماعی کشور را مکدر و مخدوش ساخت .

این ضعف فرهنگی که ناشی از ضعف در نظام تعلیم و تربیت و نهادهای سیاسی اجرایی فرهنگ کشور و در نتیجه سیاستگذاری های نادرست از طرف سیاست گذاران کشور در ابعاد خرد و کلان صورت گرفته عاملی جهت تسریع خواسته های عوامل بیگانه خارجی و نقش آفرینی رسانه های آنان گشت و آنان را در تسریع وصول به اهدافشان یاری نمود ، که امید است در نوشتگان بعدی این نشریه اختصاصاً به آن پرداخته شود . این استنکاف با وجود تأکیدات مقام معظم رهبری به امور زیربنایی و فرهنگی و تعلیم تربیت و وجود اسناد بالادستی کاملاً قابل پیگیری به نظر میرسد و اطلاق مسئولیت نسبت به آن ها کاملاً منطقی است .

مقام معظم رهبری در سلسله نشست های

مختلف با آحاد مردم و صنوف مختلف سیاسی اجتماعی و اجرایی کشور در رابطه با نفوذ آمریکا چه از منظر های تاریخی و چه از دریچه تحلیل های سیاسی و استراتژیک دشمن با موضوعات : نفوذ سلاح آمریکا (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی استقامت ۱۳۹۸)

استقامت، علاج دشمنی آمریکا (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی) غلبه بر آمریکا، با اتکاء ما به اراده الهی (بیانات در دیدار مسئولان نظام) تسخیر لانه جاسوسی واکنشی بر خبائثت های آمریکا بود (بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان) دخالت های آمریکا و حمایت آمریکا از رژیم پهلوی (بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان) بحران غرب و جنبش ۹۹ درصدی و دخالت های آمریکا در ایران (بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان) مصادیق دشمنی آمریکا و غرب با ملت ایران (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان) اشتباه مصدق مبنی بر اعتماد به آمریکا (بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان) کشتار مردم ایران در هشتم بهمن ۵۷ با مدیریت ژنرال هایزر (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم) تبعید امام خمینی (ره) به دلیل اعتراض به طرح کاپیتولاسیون و مصونیت آمریکائی ها (بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان) و موارد فراوان دیگر سخن گفته که پیایی مورد تأکید مؤکد ایشان و کم لطفی مقامات ذیصلاح در جامه ی عمل بخشیدن به منویات رهبر انقلاب قرار گرفته است .

برساخت دیگر نفوذ عناصر آمریکایی ، خشونت موجود در حرکت های اعتراضی اخیر است ، ایجاد چرخه خشونت با تهاجم رسانه ای آمریکا و

جیره خوارنش ، القای خشونت طلبی و خشونت خواهی در تار و پود تحرکات اجتماعی با هدف جنگ داخلی و تجزیه ایران برای احاطه و تسلط و بهره وری از منابع داخلی ، معدنی و تأمین بحران های انرژی موجود در غرب است که از آن با عنوان بحران انرژی یاد میشود .

این حجم از خشم و نفرت محصول پروپاگاندا و پوپولیسم رسانه ای آمریکا که در جهت محقق شدن سیاست های رقت انگیز و تعفن بار و جنگ طلبانه ی خود در ایران دنبال میکنند اگر نگوییم در تاریخ ایران بی نظیر است قطعاً کم سابقه خواهد بود .

تهاجم استعماری غرب با غول های رسانه ای نئولیبرال و کانون صهیونیسم بین الملل با اتکاء بر نظریه جنگ تمدن های هانتینگتون و مانند آن در برخورد تمدن ها و پیش بینی کشمکش های جهان غرب با جهان اسلام ، مسائل بنیادین و ارزشی را هدف گرفته و با شناخت صحیح و تحلیل متفکرانه ، در جهت احقاق سیاست های خود در خاورمیانه و به روال معمول ، جنگ افزایی و تخریب را همراه با تربیت رسانه ای و کادر سازی رسانه ای در درون کشور پیش گرفته است .

جنگ داخلی و تجزیه ایران دو خطر بزرگی هستند که ایران و ملت ایران را بیش از هر زمان دیگری تهدید می کنند .

جنگ داخلی و تجزیه ایران دو خطر بزرگی هستند که ایران و ملت ایران را بیش از هر زمان دیگری تهدید می کنند .

جمهوری اسلامی از اساس نظامی متکی بر قدرت نظامی نبوده و نیست و یا قدرت اقتصادی صرف در این ساختار حرفی برای گفتن ندارد . بلکه این نظام در پیدایش و در پویش همانگونه که مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

و امام راحل (رضوان الله علیه) بارها اعلام کردند متکی بر مردم بوده و هست .

ایجاد فضای دو قطبی و اختلافی نیز یکی دیگر از مسائلی است که به شدت در جریان‌های اعتراضی اخیر به چشم می‌خورد در واقع حرکت رسانه‌ای غرب با هدف رنگی کردن و توده‌ای ساختن جامعه به دنبال جدا کردن ملت از دولت به معنای خاص و ملت از ملت به معنای عام است که قدرت دیالوگ ، گفتمان سازی و تبادلات نظری و توان حل چالش‌های اجتماعی را به شدت مخدوش میکند .

سیاست دو قطبی سازی مطابق الگوی سیاسی «تفرقه بینداز و حکومت کن» که از قضا بنیان‌گذار انحصاری آن در جامعه بین‌الملل جدید نیز انگلستان و بریتانیای کبیر است ، از سیاست‌های کاربردی و استعماری رژیم‌های سلطنتی انگلیس و غرب با محوریت آمریکاست ، چالش‌های اخیر در غرب آسیا ، شرق آسیا به ویژه میان چین و همسایگانش در دریای چین ، بحران جاری در آفریقا و آمریکای لاتین ، روابط پاکستان و افغانستان که از چند محور از جمله توجیه حضور بلند مدت در افغانستان به بهانه امنیت و تحمیل توافق‌هایی ننگین حضور نیروهای نظامی و مستشاری خود را در افغانستان تضمین می‌کند و در این راستا از هیچ جنایت و خشونت و خونریزی و کشتاری دریغ نمی‌کنند از این سلطه و مداخلات استکباری و استعماری حکایت دارد .

آنها به دنبال دست یافتن به چنین الگویی نیز در مرزهای داخلی جمهوری اسلامی ایران و استیلای حاکمیت با سیاست تفرقه و اختلاف ، تزریق خشونت ، انصداع مدنیّت و در یک کلام ایجاد شرایط التهابی و پروژه سوری سازی ایران برای تحقق و وصول به اهداف خود هستند .

نویسنده: محمد کریم بیگی

منابع :

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۲. فوران، جان(بی تا).مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران:از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۷۸۹ شمسی تا انقلاب.ترجمه: احمد تدین (۱۳۷۸) چاپ دوم ، تهران : نشر رسا .
۳. استنفورد کوهن، آلوین(بی تا).تئوری های انقلاب. ترجمه : علیرضا طیب (۱۳۸۵) چاپ بیست و یکم ، تهران : نشر قومس .
۴. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه الله العظمی خامنه ای



رویکرد مسئولان در این موضوع
چطور بوده و چگونه می شود عملکرد
بهتری در کاهش نارضایتی و خشونت
و افزایش اعتماد عمومی ارائه داد؟

در رابطه با موضوع اغتشاشات اخیر
به نوعی همه چیز دست به دست
هم داد که امورات کشور به هم
بریزد رسانه های بیگانه با تمام
قدرت وارد میدان شده بودند
کوچک ترین اتفاق در دوردست
ترین نقطه ایران را پوشش می دادند.

برای مثال تمام سلبریتی های بیگانه
و دولتمردان شان نسبت به قضیه
واکنش مثبت نشان می دادند و از
اغتشاشات حمایت می کردند.

جو درون فضای مجازی طوری بود
که اکثر سلبریتی های ایرانی
به خیال اینکه براندازی صورت
می گیرد برای رسیدن به پست و
مقام بعد از براندازی ضد نظام
صحبت کردند.

اما این طرف جبهه چطور؟ برای
جلوگیری از فاجعه چه کار کردند؟
به طور کلی وقتی چنین اتفاقاتی در
سطح کشور به وجود می آید ما سه
مرحله داریم که باید مورد بررسی
قرار دهیم .

قبل از اغتشاشات باید چه کار
میکردیم؟
در زمان اغتشاشات باید چه کار
میکردیم؟
و بعد از اغتشاشات باید چه کار
کنیم؟

ادامه در صفحه بعد ...

آنچه نباید می شد؟

چه باید بشود؟

نویسنده : علی اوحام

بخش سیاسی

قبل از اغتشاشات چه اتفاقی افتاد که باعث شد مردم ترغیب شوند به خیابان بیایند و چه شد که اکثریت آنها جوان بودند؟ شاید این سوال همه باشد.

دلایل متعددی باعث شد که مردم نسبت به وضع موجود ناراضی باشند.

شاید اگر بخواهیم مهمترین دلیل را بازگو کنیم مبحث تناقض است تناقضات ذهن مردم را آشفته و کشور را درگیر جنگ می کند.

البته این مهم در مدت زمان طولانی اتفاق می افتد.

برای مثال سیستم بانکداری اسلامی این حرف سراسر تناقض است. در کدام اسلام ربا را آزاد و سود گرفتن را حلال اعلام کرده است که کشور اسلامی ما این کار را انجام داده است. ساده است که مردم این موضوع را دوست ندارند چرا در کشوری که حتی در انتخاب اسم هم از کلمه اسلام استفاده کرده است باید گناه را به طور قانونی انجام دهند؛ به جز بانکداری میتوانیم موضوع عدالت در دستگاه قضا را هم در نارضایتی ها دخیل بدانیم در اینجا هم شاهد تناقضات آشکار هستیم در سخنرانی ها و مجالس مدام از بانیان وضع موجود سخن می گویند و خواستار پاسخگو بودن آنها هستند اما در عمل حرکت رو به جلویی نمی بینیم.

در این باره سوالاتی از جانب عموم مردم هست که باید پاسخ داده شوند از جمله:

اولا که چرا به طور صریح نمی گویند که بانیان وضع موجود چه کسانی هستند؟

دوما اگر آنها را میشناسند چرا علیه شان اقدامی انجام نمی دهند؟

و از همه مهمتر آیا چیزی هست که آنها از آن می ترسند و به همین خاطر واکنشی نشان نمیدهند؟

چیزی که به شایعه «ترس» قوت می بخشد «برخورد نکردن با سیاستمداران فاسد» است.

اگر مردم می دیدند که عدالت دارد برقرار می شود با حکومت راه می آمدند همانطور که تا الان با وجود همه کمی و کاستی ها پای نظام مانده اند ...

محاکمه کردن «بانیان وضع موجود» بزرگترین دلیل برای قانع کردن مردم به صبر کردن است که تا به حال اتفاق نیفتاده است.

در نهایت همین تناقضات است که مردم را از نظام روی گردان میکند و خیلی ساده است که هر چه زود تر حل شوند جوانان زودتر به آغوش نظام برمیگردند.

وقتی همه این اتفاقات باعث به وجود آمدن اغتشاشات شد به نظر کسانی که مسئولیت اجرایی داشتند کار خود را به درستی انجام ندادند.

اگر بخواهیم تعداد کسانی که باید به اغتشاشات واکنش نشان میدادند را دسته بندی کنیم به طور کلی به شش بخش تقسیم می شوند.

گروه اولی که به نظر واکنش خوبی نشان ندادند و بسیار ضعیف عمل کردند مسئولین فراجا می باشد ضعف این مسئولین در اطلاع رسانی ضعیف بود آنها فیلم اولیه را بعد از ۷۲ ساعت منتشر کردند این باعث شد شک ها بیشتر شود و رسانه های بیگانه روی همین موضوع مانور دهند فراجا سخنگوی مشخصی هم ندارد سردار رحیمی بعد از ۱۴۴ ساعت اولین کسی بود که سعی در روشنگری داشت که به نظر مقداری دیر بود.

پلیس امنیت اخلاقی زیر مجموعه فراجاست، انتظار می رود زودتر نسبت به قضیه واکنش نشان

نسبت به قضیه واکنش نشان دهند این شکاف بین اتفاق و واکنش باعث شد مردم احساس کنند فساد در حال رخ دادن است البته ما می دانیم که فساد در حال رخ دادن نبود.

و صد البته که مسلمان نباید خودش را در معرض اتهام قرار دهد.

مسئله دیگری که مورد اغفال قرار گرفت عذرخواهی بود اگر حافظه تاریخی یاری کند میرویم به روزهای تلخ هواپیمای بویینگ ۷۵۲ اکراین که به مراتب قابلیت اعتراضات و اغتشاشات بیشتری در آن نهفته بود اما با یک عذرخواهی و گفتن جمله معروف «گردن ما از موباریک تر است» باعث شد مردم هم همراه سردار اشک بریزند چون صداقت را در اعماق وجودش دیدند.

دسته دوم را به مسئولین فعلی نظیر مقننه و قضاییه اختصاص می دهیم کسانی که بهتر بود به مثابه مطالبه گر پیش می رفتند و از پلیس حقیقت را می خواستند وقتی آنها ساکت می نشیند و به قضیه فقط نظاره گر هستند، مردم احساس می کنند صدایشان به گوش مسئولین نمی رسد و در کنار اغتشاشگران به خیابان می آیند.

البته که اگر مسئولین صدای آنها می بودند احساس حق کشی نمی کردند.

دسته سوم را به مسئولین سابق اختصاص می دهیم کسانی که به جای اینکه آب روی آتش باشند بنزین روی آتش شدند.

از کسانی که خودشان را رقیب دولت فعلی می دانند انتظار زیادی نداریم.

حداقل انتظاری که از مسئولین سابق داشتیم این بود که

پاسخگوی عملکرد سابقشان باشند نه اینکه از هر فرصتی برای عرض اندام سیاسی استفاده کنند.

بخش چهارم که در اینجا هم مسئولیت شان را به نحو احسن انجام ندادند تعلق میگیرد به رسانه؛ منظور از رسانه فقط صدا و سیما نیست، اینجا ما به وزارت بهداشت، بخش های مختلف بسیج، وزارت کشور و ... که باید ورود می کردند و تولید محتوا را انجام میدادند اشاره می کنیم، البته که در یک جاهایی باید صدا و سیما میدان داری می کرد.

این سوال همه ما هم هست که چرا بخش رسانه ما همیشه در چنین شرایط سختی بازنده می شود؟

در چنین شرایطی مردم تشنه خبر هستند و بی شک سراغ رسانه ای میروند که بیشتر این نیازشان را رفع کند. صدا و سیما میتواندست ابتدا جوری صحبت کنند جوری اطلاع رسانی کند و اخبار را جلوه دهد که انگار بیشتر از رسانه های بیگانه روی این موضوع مانور می دهد. صدا و سیما با سکوت در روزهای آغازین شاید بهتر است بگوییم علیه نظام خیانت کرد. بهتر بود از همان روزهای آغازین نسبت به روشنگری در ماجرا اقدام میکردند.

در بخش رسانه باید به سوالات و ابهامات و جعلیات خیلی سریع تر از آنچه دشمن فکر میکند پاسخ داده شود، جوری که نتوانند ذهن جوانان را مختوش کنند رسانه های بیگانه در طول یک هفته آغازین هر کدام بیش از ۱۰۰۰ پست در شبکه های مجازی در رابطه با اغتشاشات ایران ارسال کردند آیا رسانه های ما هم این چنین بودند؟ قطعاً خیر.

حدیثی از حضرت علی که بی ربط

به ماجرا نیست.

«میفرمایند: شگفتا، شگفتا! به خدا سوگند! قلب را می میراند و غم و اندوه را (به روح انسان) سرازیر می کند که آنها (شامیان غارتگر) در مسیر باطل خود، چنین متحدند و شما، در طریق حقتان، این گونه پراکنده و متفرق هستید.»

دسته پنجم و ششم به نوعی به هم ربط دارند وزارت اطلاعات و سلبریتی های ایرانی.

بیا یاد رفتار اطلاعات آمریکا را در اینجور مواقع با ایران مقایسه کنیم؛ آیا یک سلبریتی، یک ورزشکار یا هر کس دیگری که به نوعی در جامعه شناخته شده است و تعدادی طرفدار دارد می تواند به سرود ملی آمریکا و پرچم آمریکا توهین کند؟ بی احترامی کند؟ یا حتی بی محلی کند؟ قطعاً خیر.

چرا؟ چون انجام این کارها در آمریکا هزینه خیلی زیادی دارد.

آخرین بار کلیت کلر قهرمان المپیک پس از حضور در میان معترضان آمریکایی تحت تعقیب و پیگرد قضایی قرار گرفت. حال مقایسه کنید با رفتار های سلبریتی های ایرانی در اوج اغتشاشات در ایران آنها به فکر محبوبیتشان در فضای مجازی هستند. به فکر گرفتن گرین کارت هستند.

اگر وزارت اطلاعات در اوایل ماجرا خیلی سریع کسانی که نحوه ساخت کوکتل مولوتوف را در حساب های مجازی آموزش میدادند را دستگیر میکرد یا حداقل تویخ می کرد بقیه جرعت کشاندن جوانان به کف خیابان را نداشتند.

وقتی یک ورزشکار به مسابقات جهانی می رود و تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران در این حد پیشرفت کرده که قهرمان جهان

می شود و بعد به پرچم این کشور و به سرود این کشور توهین میکند. چرا باید باز هم از طرف ایران به مسابقات جهانی برود؟ چرا باید از آنها تقدیر کنند؟

در آمریکا قهرمان المپیک شان را بازداشت می کنند آن وقت چرا باید ما از فوتبالیستی حمایت کنیم که حتی در آسیا هم موفق به کسب قهرمانی برای کشورمان نشده است. تنها افتخار دوران فوتبالی اش بازی در لیگ آلمان است. وقتی سلبریتی یا ورزشکار یا هر کس دیگری در اینجا درآمد دارد و بداند که می تواند ضد حکومت صحبت کند و گرین کارت خودش را تضمین کند و درآمدش قطع نشود و بتواند باز هم در اینجا زندگی کند، خوب قطعاً با ضد حکومت صحبت کردن با یک تیر دو نشان می زند.

لپ مطلب این است بگذارید کمی هم که شده اگر کسی ضد این نظام مقدس صحبت کرد برایش هزینه داشته باشد حتی اگر شده اندکی هزینه که طرف بین دو راهی قرار بگیرد.

نوبتی هم باشد نوبت اتفاقات بعد از اغتشاشات است چه کار کنیم که حق مطلب ادا شود.

خوب بالاخره بعد از این همه اقدامات خصمانه دشمنان ما هم باید جواب درخوری داشته باشیم که تکرار این کارها را هزینه بر کند یا خیر؟

نباید کارهای مان فقط در بحث انتقام نظامی خلاصه شود که البته آن هم جای خودش را دارد و حتماً هم باید انتقامی به این شکل گرفته شود ولی بهتر است تصمیم گرفتن در این مورد را به نظامیان بسپاریم.

بیشتر بحث ما بحث پیشگیری از

چنین اتفاقاتی است چه کنیم که دیگر دشمنان جرأت چنین خرابکاری های را در ایران نداشته باشند و دوم اینکه چه کنیم که جوانان و فرزندان ایران در آینده با آنها همکاری نکنند.

ابتدا به صورت دقیق و روشن باید منظورمان از کلمه دشمنان را مشخص کنیم.

منظور از دشمنان فقط کشورهای خارجی لیدر هایی که در اغتشاشات دستگیر شده اند و ... نیست البته که اینها هم دشمن هستند و به هر کدام باید به نحوی خاص جوابهای درخوری داده شود. ولی بحث فعلی ما مسئولانه خیانتکار هستند کسانی که بلبشوی اعتراضات و اغتشاشات با حرف های نابجا در آتش اعتراضات دمیدند. ما به اینها نخاله میگوییم که حکومت باید آنها را هر چه سریعتر است دور بریزد. باید عدالت را در برابر آنها اجرا کنیم چه دلیلی دارد که باز هم در ایران مسئولیت و تریبون داشته باشند و باز هم در مواقع اضطراری خیانت کنند. پس اولین کار نظام بعد از اغتشاشات بهتر از پاکسازی امنیتی مملکت از شر این بی بصیرت ها باشد.

در گام های بعدی که برنامه ریزی طولانی مدتی هم میخواهد به سراغ بحث فرهنگ سازی توسط رسانه و آموزش و پرورش میرویم.

به ضعف صدا و سیما در اوایل سخن ها اشاره کردیم باید برای برطرف کردن این ضعف کاری صورت بگیرد.

به احتمال زیاد همه این را می دانید که در صدا و سیما نفوذ صورت گرفته است یعنی کسانی هستند که نمی خواهند جمهوری اسلامی ایران رسانه و تریبون قوی داشته باشد البته بی سند و مدرک صحبت نمیکنم همین که هر از گاهی خبر هک صدا و سیما به

گوش میرسد خود نشان دهند نفوذ می باشد همین که آنقدر سطح فیلم های سینمایی و سریال ها و اخبار ضعیف است که مردم به سمت رسانه های بیگانه می روند خود نشان از نفوذ است.

شاید به مدیر انقلابی و جوان و جویای نام نیاز است تا زلزله ای در آنجا به راه بیندازد و آن را از پایه بسازد. به نظر این تنها و بهترین راه است.

در بحث برنامه های صدا و سیما بهتر است به این نکته توجه شود که آنها باید بحث یک دل سازی مردم را پیگیری کنند وقتی که مردم یک دل هستند برای دشمنان سخت است ایجاد یک آشوب و فتنه...

این فقط یک ادعا نیست برای اثبات آن سری به تاریخ میزنیم راه دوری نمیرویم همین چند سال قبل بعد از شهادت حاج قاسم و یکصدایی مردم ایران برای انتقام گرفتن دشمنان را به وحشت انداخت به نحوی که حتی جرعت پاسخ دادن به حمله ایران را هم نداشتند. پیش با افتاده ترین چیزی هم که مردم را یک دل میکند ورزش ملی می باشد چیزی که دشمن سعی در تخریب آن دارد با تضعیف روحیه قهرمانان ایرانی توسط ارتش های مجازی آنها و ایجاد جوی وحشتناک علیه تیم های ملی و آرزوی شکست داشتن برای آنها پس بهتر است این بحث را جدی بگیریم. در اینجا آموزش و پرورش هم وظایفی دارد برای تربیت فرزندان به ترتیب به آنها می پردازیم

آموزش و پرورش یکی از مهمترین بخش های هر کشور برای ساختن آینده ای روشن می باشد.

اما در ایران آموزش و پرورش حداقل تا امروز دست کم گرفته شده است به نحوی که آینده

روشنی در آن نمی بینیم. در ایران آموزش و پرورش فقط برای تهیه و تولید کارمند و کارگر ساخته شده است نهادهای که قوانینش برای ۷۰ سال پیش است. در کشوری مانند آمریکا و آلمان یا بقیه کشورهای پیشرفته دنیا آموزش و پرورش در تربیت فرزندان و درست کردن خانواده ها طبق چیزی که میخواهند نقش پررنگ تری دارد. از این پس بهتر از آموزش و پرورش ایران هم بیشتر و بهتر و از راه درست تری آموزش مفاهیم ایرانی و اسلامی را به فرزندان این خاک و بوم آموزش دهد. نباید تنها کار آموزش و پرورش و مدرسه ما یاد دادن الفبای فارسی به دانش آموزان باشد باید الفبای زندگی را هم به آنها بیاموزیم. حرفی نمی ماند جز اینکه بگویم نگران ایرانمان نباشید دشمنان زیادند. اما خدا با ماست. این سنگ پرانی ها هم به قطار در حال حرکت ایران عاقبتی جز خواری و سرفکندگی ندارد.

به قول رهبر انقلاب ملت ایران در حال حرکت رو به جلو است و این ترقه بازی ها هم نمیتواند جلوی ما را بگیرد.

تنها هدف آنها از این اغتشاشات کند کردن پیشرفت دولت ایران است برایشان سخت است ببینند دولتی انقلابی بدون دردسر و سر و صدا کار کند. در همین کمتر از یک سال انواع مشکلات را به وجود آوردند از قطع بنزین سراسر ایران تا اغتشاشات اصفهان و اهواز و اکنون. خودشان هم می دانند که با این اغتشاشات براندازی صورت نمی گیرد فقط دنبال کم کردن سرعت قطار انقلاب هستند

پس نگران ایرانمان نباشید.

وسلام علیکم و رحمه الله

نویسنده: علی اوحام

حرا روز دانشجو؟



مریم عباسی

بخش رسانه

این دانشجویها در محیط دانشگاه اعتصاب و تظاهرات میکنند، که البته با سرکوب مواجه میشوند. سه نفرشان هم کشته میشوند. حالا ۱۶ آذر در همه ی سالها، با این مختصات باید شناخته شود. ۱۶ آذر مال دانشجوی ضد نیکسون است، دانشجوی ضد آمریکاست، دانشجوی ضد سلطه است.

پس از وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سازمان های سیاسی تشکیل دهنده جبهه ملی، برای دوره کوتاهی در یک ائتلاف ضعیف، تحت نام نهضت مقاومت

ادامه در صفحه بعد ...

که در آن سه نفر دانشجو به خاک و خون غلتیدند، تقریباً چهار ماه بعد از ۲۸ مرداد اتفاق افتاده؛ یعنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد و آن اختناق عجیب - سرکوب عجیب همه ی نیروها و سکوت همه - ناگهان به وسیله ی دانشجویان در دانشگاه تهران یک انفجار در فضا و در محیط به وجود می آید؛ چرا؟ چون نیکسون که آن وقت معاون رئیس جمهور آمریکا بود، به ایران آمد به عنوان اعتراض به آمریکا، به عنوان اعتراض به نیکسون که عامل کودتای ۲۸ مرداد بودند،

۱۶ آذر در کشورمان روز دانشجو نامگذاری شده؛ در واقع این روز، به یاد ۳ دانشجویی است که در اعتراض به دیدار رسمی نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا با محمدرضا شاه پهلوی آن هم چندی پس از کودتای ننگین آمریکایی ۲۸ مرداد، توسط رژیم ستم شاهی به شهادت رسیدند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت در روز ۲۴ آذر سال ۸۷ تاریخچه ای از این واقعه بیان کردند. ایشان فرمودند: «جالب است توجه کنید که ۱۶ آذر در سال ۳۲

ملی به مقاومت سیاسی دست زدند و تظاهرات‌ها و اعتصاب‌های پراکنده‌ای در پاییز همان سال در دانشگاه تهران و همچنین بازار، از جمله در تاریخ ۱۶ مهر و ۲۱ آبان، در اعتراض به محاکمه مصدق برگزار شد.

چند هفته پس از این وقایع، اعلام شد که روابط ایران و بریتانیا از سر گرفته خواهد شد و ریچارد نیکسون نایب ریاست جمهوری وقت آمریکا برای دیدار رسمی به ایران خواهد آمد. این موضوع بهانه لازم برای اعتراضات را فراهم کرد و در ۱۴ آذر به سفارش نهضت مقاومت ملی، دانشجویان فعال به سخنرانی در کلاسها پرداختند و ناآرامی تمامی محوطه دانشگاه تهران را فرا گرفت. دولت وقت برای پیشگیری از هرگونه اقدام بعدی تصمیم به سرکوب اعتراضات گرفت.

سربازان و نیروهای ویژه، پس از هجوم به دانشگاه، به کلاسهای درس حمله کرده و صدها دانشجو را بازداشت و زخمی نمودند. عدهای از سربازان، دانشکده فنی را به صورت کامل محاصره کرده بودند تا کسی از میدان نگریزد. هنگامی که دانشجویان در حال خروج از دانشکده بودند به یکباره با یورش سربازان مسلح مواجه شدند که بر اثر آن عده‌ای از دانشجویان مجروح گردیدند. برخی دانشجویان در واکنش به این اقدام نیروی نظامی، به شعار دادن روی آوردند. رگبار گلوله باریدن گرفت و چون دانشجویان فرصت فرار نداشتند به کلی غافل گیر شدند و در همان لحظه اول عده زیادی هدف گلوله

قرار گرفتند. مصطفی بزرگ نیا به ضرب سه گلوله از پا درآمد. مهندس مهدی شریعت رضوی که ابتدا هدف قرار گرفته به سختی مجروح شده بود بر زمین میخزید و ناله میکرد، و دوباره هدف گلوله قرار گرفت. احمد قندچی حتی یک قدم هم به عقب برنداشته و در جای اولیه خود ایستاده بود و از گلوله باران اول مصون مانده یکی از جانیان گارد شاهنشاهی با رگبار مسلسل سینه او را شکافت. و این گونه سه آذرخش شهید به نامهای شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا سینه شب را میشکافتند و جاودانه تاریخ ایران زمین میشوند.

شهید چمران که خود شاهد این واقعه بوده در رابطه با حادثه ۱۶ آذر می گوید: «وقایع آن روز چنان در نظرم مجسم است که گویی همه را به چشم می بینم، صدای رگبار مسلسل در گوشم طنین می اندازد، سکوت موحش بعد از رگبار، بدنم را می لرزاند، آه بلند و

ناله جانگداز مجروحین را در میان این سکوت دردناک می شنوم. دانشکده فنی خون آلود را در آن روز و روزهای بعد به رای العین می بینم.» درست روز بعد از واقعه ۱۶ آذر و در جو خفقان و وحشت، نیکسون معاون رییس جمهور امریکا به ایران آمد و در همان دانشگاهی که هنوز به خون دانشجویان بی گناه رنگین بود دکترای افتخاری حقوق دریافت کرد.

بدین گونه حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۲، بعنوان نماد استکبار ستیزی، مبارزه با استبداد و عدالت خواهی دانشجویان در تاریخ ایران ثبت شد. از آن پس، همه ساله به رغم کوشش رژیم و ساواک، در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاههای سراسر کشور مراسم و تظاهراتی به یاد شهیدان آن روز برپا می گردید. و امروزه نیز پس از گذشت سال ها از آن حادثه، دانشجویان سراسر کشور با برگزاری مراسماتی، یاد و خاطره شهدای ۱۶ آذر را گرامی می دارند.



نویسنده: مریم عباسی



سواد رسانه

بخش رسانه

رسانه یا به تعبیر دیگر Media، واژه جدیدی در زبان فارسی محسوب می شود، که در فرهنگ فارسی معین (ساده ترین تعریفی که می توان ارائه داد) چنین است: هر وسیله انتقال دهنده!

ماموریت رسانه در معنای آن نهفته است، رساندن پیام و خبری به مخاطب و ایجاد بستری برای دسترسی راحت تر استفاده کنندگان به اطلاعات، مطالب علمی، کتاب ها و مقالات، ارتباط آسان و... است.

در دنیای امروزی که بسترهای رسانه گسترش یافته اند و بر افکار عمومی اثر گذارند، نیازمند علمی هستیم که از طریق آن، توانایی تشخیص خبر صحیح را از غلط، داشته باشیم. سواد رسانه مجموعه ای از توانمندی های رسانه ای و ابزاری است که فراگیر در کنار نگاه انتقادی، در یک موضع فعال نسبت به مسائل روز قرار می دهد. شاید این سوال برای شما نیز ایجاد شود که سواد رسانه چه فایده ای دارد؟ باید گفت، افراد دارای سواد رسانه نه تنها اسیر محصولات رسانه ای، نمی شوند بلکه قضاوت های صحیح تری از محیط پیرامون خود دارند. از طریق سواد رسانه می توان انواع پیام ها را تحلیل و بررسی کرد، به عبارتی سواد رسانه کمک می کند از سفره خوش رنگ و لعاب رسانه ها، به گونه ای

آن، توانایی تشخیص خبر صحیح را از غلط، داشته باشیم. سواد رسانه مجموعه ای از توانمندی های رسانه ای و ابزاری است که فراگیر در کنار نگاه انتقادی، در یک موضع فعال نسبت به مسائل روز قرار می دهد. شاید این سوال برای شما نیز ایجاد شود که سواد رسانه چه فایده ای دارد؟ باید گفت، افراد دارای سواد رسانه نه تنها اسیر محصولات رسانه ای، نمی شوند بلکه قضاوت های صحیح تری از محیط پیرامون خود دارند. از طریق سواد رسانه می توان انواع پیام ها را تحلیل و بررسی کرد، به عبارتی سواد رسانه کمک می کند از سفره خوش رنگ و لعاب رسانه ها، به گونه ای مفید و هوشمندانه بهره مند شویم.

سواد رسانه یک مهارت چند مرحله ای است که عبارتند از: اتخاذ رژیم مصرف رسانه ای، استفاده از تفکر انتقادی، تجزیه و تحلیل سیاسی-اجتماعی و تولید رسانه ای.

***رژیم مصرف رسانه ای:** امروزه و با گسترش روزافزون تکنولوژی های در اختیار بشر، میلیون ها کتاب، سایت، شبکه تلویزیونی، خبرگزاری و... مثل باران بی امان بر سرمان می بارند، نیاز داریم چتری بر سر گیریم و یک رژیم مصرف درست اتخاذ کنیم، همان گونه که در غذایی که مصرف می کنیم به میزان کلسترول، ویتامین و سایر مواد مورد نیاز بدن دقت می کنیم، در فضای رسانه ای نیز باید دقت داشته باشیم چقدر در معرض رسانه های مختلف اعم از دیداری، شنیداری و نوشتاری قرار داریم و چه برداشت هایی از آن ها داریم؟! بهتر است پیش از استفاده از هر رسانه ای سوالات زیر را در نظر داشته باشیم:

۱. در مقابل زمان و هزینه ای که برای استفاده از این رسانه صرف می کنیم، چه منافعی بدست می آوریم؟
۲. میزان استفاده از این رسانه، نسبت به بقیه رسانه ها باید چقدر باشد؟
۳. از این رسانه چگونه باید استفاده کنیم؟

***تفکر انتقادی:** مهم ترین نکته این مرحله، برخورد فعال با پیام است، بهتر است قبل از پذیرش پیام رسانه به موارد زیر توجه کنیم تا بتوانیم تحلیل درست تری از موقعیت داشته باشیم:

۱. پیام را چه کسی ارسال کرده است؟
۲. از چه فنونی برای جلب توجه من به پیام استفاده شده است؟
۳. افراد با دیدگاه های متفاوت، چه برداشتی از پیام، خواهند داشت؟
۴. چه ارزش ها، سبک زندگی و جهان بینی ای در پیام، انتقال داده شده است؟
۵. چرا این پیام برای من ارسال شده است؟ چگونه به دست من رسیده است؟

***تجزیه و تحلیل محتوای رسانه:** در این مرحله، فرد باید از افقی بالاتر از نگاه خویش به رسانه نگاه کند و اهداف خاص تولیدکنندگان و قدرت های مسلط پشت پرده رسانه ها را درک کند، برای مثال باید اهداف و اثرات تجاری، سیاسی و اجتماعی رسانه ها را شناخت. به خاطر داشته باشیم رسانه ها در صدد ساخت "جهان بینی" خاص خود، هستند و از فن اقناع، استفاده می کنند؛ یعنی با برانگیختن احساسات و با دلایلی شبه منطقی اما غیرحقیقی، مخاطب را برای رسیدن به هدف خود قانع می کنند.

***تولید رسانه ای:** این مرحله نیازمند علاقه به فعالیت های رسانه و گذراندن دوره های مختلف در حوزه تولیدات رسانه ای است. فردی که به تولید محتوا در حوزه رسانه می پردازد، باید از رسانه برای بیان حقایق استفاده کند و به طور موثر در فضای مجازی به ایفای نقش بپردازد. باید دانست حوزه سواد رسانه و فعالیت های ضمنی آن بسیار گسترده هستند و آن چه در سطور بالا گفته شد، صرفاً کلیاتی است که برای استفاده از رسانه به عنوان یک مخاطب معمولی، قابل تامل است.

نویسنده: زهرا سلیمانیان

منبع مورد استفاده: مریم کوپایه ئیها، با نظارت دکتر زهرا آیت اللهی، ۱۳۹۹، فرزندم در سرزمین مجازی، قم دفتر نشر معارف



رُوح نواز

بخش فرهنگی



سریال‌های سفر سبز، حلقه سبز و فیلم های سلطان، آکواریوم، برف روی کاج‌ها و پل چوبی را منتشر کرد. آلبوم خاطرات مبهم با همکاری رضا یزدانی و موسیقی آلبوم «دوستت دارم» در چهار حلقه، دکلمه و شعر احمد رضا احمدی، از آثار اوست که انتشار یافته‌است. او برای بیش از ۱۰۰ فیلم و سریال موسیقی ساخته‌است. او همچنین موسیقی فیلم‌های بادیگارد و به وقت شام را به صورت جداگانه منتشر کرده‌است.

از میان آثار فاخر همایون فر، اثر سوت پایان، جذابیت خاصی دارد که گوش هر شنونده ایی را می‌نوازد، از آن که هوش موسیقایی بالایی دارد تا آن کسی که به سادگی موسیقی را می‌شنود، جذب این هنر روح نواز می‌شوند.



Soot e payan

گرد آورنده: علی قنبری

کارن همایونفر در سال ۱۳۴۷ در تهران به دنیا آمد. او از شش سالگی یادگیری پیانو و تئوری موسیقی را آغاز کرد. پس از اتمام دبیرستان برای ادامه تحصیل در رشته موسیقی به انگلستان و سپس به ترکیه رفت. در انگلستان به موسیقی بیلکنت رفت و بعد از آن در کنسرواتوار موسیقی «هاجد تپه» آنکارا، به تحصیلات تکمیلی ادامه داد. او در طول این مدت به صورت خصوصی از استادان موسیقی کلاسیک ترکیه از جمله حیکمت شیمشک، کمال اروغلو و انور توفان آموزش دید و یادگیری اصول هارمونی، کنتر پوان، فرم و تکمیل نوازندگی پیانو را ادامه داد. همایونفر از سال ۱۳۷۳ به آهنگسازی فیلم مشغول است.

همایونفر از اعضای شورای مرکزی کانون آهنگسازان سینمای ایران است. او در ادامه فعالیت‌های خود در سال ۱۳۹۰ آلبومی با عنوان سرانجام شامل مجموعه آثارش برای موسیقی متن فیلم‌های جرم، خاک‌آشنا، زادبوم، گزارش یک جشن، سوت پایان، قصه پریا و یکی از ما دو نفر را منتشر کرد. در سال ۱۳۹۲ آلبوم گذشته، حال استمراری شامل موسیقی متن



خطر مرگ هویت به قیمت جان جامعه

بخش فرهنگی

اینجا ایران است؛ همان ایرانی که وقتی تیم ملی فوتبالش در بازیهای جام جهانی بازی می کرد، همه ی خانواده ها برای دیدن فوتبال مهیج دور هم جمع می شدند و ظرفها را پُر از تخمه می کردند تا جلوی تلویزیون های کوچک ۲۱ اینچی هویت اصیل و غیرت ایرانی خود را با هیجان فریاد بزنند. با هر خطری که دروازه تیم ملی ایران را برای گل زدن حریف تهدید می کرد، همه ی نفسها در سینه حبس می شد و دعای «یا خاص علی، یا امام حسین (ع)، یا پیرمامه، یا سید حسن و...» بزرگ و کوچک استان ایلام به آسمان بلند می شد. حال و هوای تمام مردم کشور در مواقع برگزاری مسابقات جام جهانی، المپیک و غیره... برای بُرد تیم ملی نه تنها در رشته ورزشی فوتبال بلکه در تمام رشته های ورزشی، مثال زدنی و توصیف غیرت و اصالتشان وصف نشدنی بود.

اکنون چه بر سر این ملت و استان آمده است که برخی از مردمانش با باخت تیم ملی فوتبال کشورشان در مقابل آمریکا خوشحال می شوند! و با آمدن به خیابان و زدن بوق های ممتد از باخت تیم ملی فوتبال خوشحال می شوند؟! در شرایطی که هویت ملی بخش مهمی از سازوکار جامعه را تشکیل می دهد، وقتی بخشی از جامعه اینگونه خود را منفک از آن هویت ملی می داند چه سرنوشتی برای خود رقم می زند؟

چقدر شکاف بین مردم، دو دستگی و قطب سازی زیاد شده، که یک تعداد از بُرد تیم ملی فوتبال ایران در مقابل تیم ملی ولز خوشحال می شوند و به خیابان می آیند و عده دیگر اعتراض می کنند و عکس این قضیه با باخت تیم ملی نیز اتفاق می افتد.

بنظر نگارنده این دو دستگی و تقابل همانند ویروسی وحشتناک در حال گسترش است و به جان جامعه افتاده تا همانند کابوسی ترسناک خواب شبانه را از چشم مردم بُرباید و روحشان را آزوده کند.

برخی از مردم با پا گذاشتن بر روی حرمت ها، آرمانها و عقاید دیرینه خود، جامعه را به سمت خطرناکی می کشانند.

اگر از خط قرمز حرمت ها، آرمانها و فرهنگ ایرانی اسلامی عبور شود، خطر مرگ هویت ایرانیان که زیرکانه کمین گرفته به قیمت جان جامعه متمدن ایران تمام می شود تا این واقعه ی تلخ، سکون، سردرگمی و رخوت را برای مردم این مرز و بوم رقم بزند.

فوتبال تنها یک مثال از این دو دستگی و نفاق ایجاد شده بین مردم است و چه بسا در بسیاری از مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دیگر مسائل خرد و کلان این دو طیف ایجاد شده در مقابل همدیگر جبهه می گیرند و با هم به جدال می پردازند که جز پاشیدن تخم نفاق و کینه و درو کردن، لجajت، جنگ روانی، تقابل، دو دستگی، عدم اتحاد و غیره نتیجه دیگری ندارد.

در گروههای مجازی نیز افراد بسیاری با سلايق مختلف سیاسی و اجتماعی وجود

دارند که تا قبل از بروز این ویروس مسری و خطرناک به نظر همدیگر احترام می گذاشتند و با سبک و سنگین کردن و مزه مزه کردن کلمات، در کمال ادب و آرامش عقاید خود را مطرح می کردند.

اما انگار این بیماری در حال پیشرفت است و بعضا در گروههای مجازی نیز حرمت ها شکسته می شود و همه به یکدیگر بی محابا، حمله می کنند و این زنگ خطری برای جامعه ی متمدن باهویت و اخلاق مدار ایران اسلامی است که زمانی پهلوانی و مردانگی از خصلت های دیرینه مردمان این دیار بود.

الان دیگر بحث فوتبال نیست، بلکه بحث هویت ایران و ایرانیست که در معرض خطر قرار گرفته است و باید هر چه زودتر در پی درمان این بیماری مهلک بود، زیرا خطر "مرگ هویت به قیمت جان جامعه" تمام می شود و سردرگمی و سکون را برای جامعه رقم می زند.

نویسنده: امیر حسین جلیلیان

برگرفته از پایگاه خبری شکرستان



به وقت عکاسی

بخش رسانه

عکاس: حدیث اله نوری



در جنگ پنهان به شیوه ی نوین دشمن از سلاح های گرم و جنگ و خونریزی استفاده نمی کند بلکه برای آسیب به جامعه ی هدف از قسمت های داخلی آن که خود دچار آسیب و تنش هستند شروع میکند و آن موضوع را به شیوه های گوناگون در مسیر رسیدن به اهداف خود گسترش و منتشر میکند. گسل های متعدد در بخش های مختلف ایجاد میکند که از طریق متفاوت کردن باور ها و ارزش ها، رفتار های متضاد جامعه را رواج میدهد.

در این مسیر هدف دشمن نابودی و ایجاد اختلال در وحدت ملی و هماهنگی جامعه است. در جنگ نرم از پیشرفته ترین تکنیک ها استفاده میشود و فضای مجازی و سایبری محیط اصلی برای پیاده کردن اهداف دشمن است و از جاذبه های گوناگون برای جذب احساسات استفاده میکند. دشمن میداند که نوجوانان و جوانان در سن حساسی هستند و با استفاده از جاذبه ها و برنامه ریزی های از قبل آماده شده مطالب جذاب متناسب با روحیه ی آنها را تولید و تبلیغ میکنند.

سپیده ستاری

پاییز ۱۴۰۱

